



ارگان کمیته خارج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه دوم بهمن ۱۳۶۶

گردهمایی تشکلهای دمکراتیک در شهر آخن آلمان فدرال و دستاوردهای آن

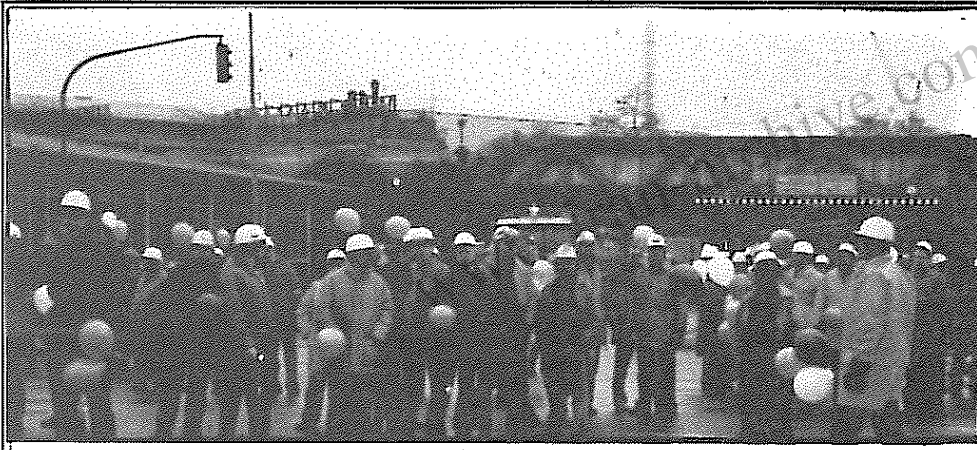
روزهای شنبه ۳۰ و یکشنبه ۳۱ ژانویه ۸۸، شهر آخن آلمان غربی میزبان نمایندگان ۲۰ تشکل دمکراتیک بود. این تشکلهای از شهرهای: گوتینگن فرانکفورت (دو تشکل)، هانور، برلین (۳ تشکل) ها میورگ، هاکن، بیلفلد، هیلدسهایم، آخن، کیسل، اشتوتگارت، کاسل، نورنبرگ، کورباخ، بایرن و یک تشکل از کشور بلژیک در این گردهمایی شرکت جستند. در ابتدای نشست نماینده آخن ضمن خوشامدگویی به نمایندگان کانونها، گزارشی کوتاه بقیه در صفحه ۴

شورای تعیین صلاحیت و توازن قدرت

مدارد مقابل طرفداران با زا روبخش خصوصی، که در مرحله معینی دست به تعرض زده بودند، محسوب میشود. چرا که ایجا دولت مقتدر و متمرکز در برنا مه خمینی برای بیرون رفتن از بحران عمیق اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه داری ایران نقش کلیدی دارد. اودر آخرین تلاشها و بوسیله فتوای خود با آزد کردن حکومت از قید "فقه" و "حرکت بر مبنای" مصلحت" در برنا مه ریزی و طراحی امور، باین مهم مسأله قدرت کرد. این اقدام فتح یکی از گامهای اصلی توسط جناح مسلط دولت در مقابل با حریف بود که در سنگر "فقه" و احکام الهی و "حلال محمد حلال الهی" بقیه در صفحه ۲

روز ۱۷ بهمن ۶۶ خمینی دستور تشکیل شورای جهت تعیین تکلیف نهائی تمامی لوایح و طرحها را داد. این ارگان جدید که بصورت رسمی بر فراز تمامی ارگانهای حکومتی قرار گرفته، ظاهرا یک گام دیگر در مسیر سلسله تلاشهای او برای تثبیت قدرت جناح دولت ماست. اما آیا این اقدام برای قطعیت بخشیدن به این مسأله و سازمان دادن دولت مقتدر و غلبه بر بحران کارگشا است؟

همانطور که در پیام کارگر شماره ۱۲ متذکر شدیم فتوای خمینی حرکتی برای تقویت جناح دولت -



آلمان غربی: کارگران فولاد کروب آدامه میدهند در صفحه ۲

از "ردی‌ها"ی دادگاههای پناهندگی در آلمان فدرال دفاع کنیم!

طبق خبرهایی که زبعضی مقامات مسئول امور پناهندگی در آلمان غربی شنیده می شود و بخصوص بر اساس صحبت های اخیر سیر من وزیر کشور آلمان فدرال دادگاههای رسیدگی به متقاضیان پناهندگی تصمیم دارند، شرایط پذیرش پناهندگی را با زهم سخت تر کنند. این روندی است که از سال های ۸۷-۸۶ همراه با تصمیمات دیگری از جمله طولانی کردن زمان رسیدگی به پرونده ها و ممنوعیت ورود پناهندگان به این کشور شروع شد و شرایط بسیار سختی برای متقاضیان پناهندگی بوجود آورد. بلا تکلیفی، وزندی طولانی در وارد و گاههای تکلیف باغذای نامطبوع و رفتار خشن و غیر انسانی ما مورین، فشار طاقت فرسای بر پناهندگان وارد نمود. حرکات اعتراضی وسیع و طولانی پناهندگان جنوب آلمان شکلی از بروز این وضعیت نابسامان بود.

اکنون شرایط برای آندسته از پناهندگان که بنام "ردی‌ها" نامیده می شوند، یعنی کسانی که از دادگاهها پاسخ منفی دریافت کرده اند بخصوص وخیم است. این شرایط با گذشت زمان و افزودن شدن تعداد بیشتری به مردودین با زهم تحمل نا پذیر تر خواهد شد. اظهارات اخیر وزیر کشور مبنی بر اینکه باید برای کاهش تعداد متقاضیان، سیاست های سختگیرانه تری معمول داشت، بی تردید اوضاع را بدتر خواهد کرد. هم اکنون در مقابل این روند تشدید فشار اعتراضاتی از سوی انجمن های پناهندگی شروع شده است. تظاهرات پناهندگان در شهرهای لیبرگ آلمان غربی بر علیه افزایش "ردی - بقیه در صفحه ۴

نامه ای از ایران

در صفحه ۱۰

زندگی و مبارزات پناهندگان

کراچی - پاکستان
خودکشی یک پناهنده
بدستور مسئولین سازمان ملل پلیس به متحنین حمله کرد
گوتنبرگ - سوئد
پناهندگان متحدان از اخراج یک دختر ایرانی جلوگیری کردند

هایدلبرگ - آلمان فدرال:
تظاهرات اعتراضی پناهندگان علیه حمله نتوفا شیت ها به خوابگاه پناهندگان

در صفحه ۶

نگاهی به "زن" در کلیدر

چندی است که کلیدر "ببنوان" اشیارزمنند و متعهد جای خویش را در ادبیات امروز ما گشوده، نگارنده نه عزم بررسی کلیدر را دارنده توان آن، چه "کلیدر" نیا زمند نقدی همه جانبه در خور وسعت آن است. هدف نوشته، زیر طرح جایگاه "زن در کلیدر" و با زگشائی بحثی در این زمینه است. دولت آبادی در کندوکاو خود از رنج و عشق و رزم در "کلیدر"، به ناگزیر رنج زنانه را نیز مطرح می سازد. از آنجا که با هجوم ارتجاع اسلامی، ستم بر زن به مسئله های اساسی و مبارزه با مردسالاری به بخشی از مبارزه علیه ارتجاع حاکم بر ایران بدل شده، مبارزه با این ارتجاع عقب مانده در ادبیات امروز وظیفه همه آنانی میشود که هنر را هر چه وسیعتر فریاد داد می خواهند.

آنچه بر "زن" در "کلیدر" می رود، دردناک می باشد. بقیه در صفحه ۳

ادامه از صفحه ۱

شورای تعیین صلاحیت و توازن قدرت

یوم قیامه و حرام محمد حرامی یوم قیامه "پنجاه گرفته است، اما خمینی بمشابه آنکس که بر شاخ نشسته وین می برید، بهای بزاری توسل جست که در استمرا و خود به طرفداری و ولایت فقیه می انجامد و کسانى را مورد حمله قرار داد که از خودی هم خودی تر هستند، بعلاوه این جناح که قدرتش را نمی توان به علت پایه های اقتصادی قوی و مهمتر آن تسلط در درون دستگا ه روحانیت دست کم گرفت، بکمسک ابزارهای گوناگون خود به نبرد ادا می دهد و این مقابله آنگونه که مورد دنیا زوا منتظر جناح دولتمدار است خاتمه نمی یابد.

بعدا زفتواها پایه توده ای دولت، اگر چه بصورتی کنترل شده، بمیدان آورده شد و نمایشانی هم برگزار شد، اما عمدتاً نمایندگان نظری و عملی طرفین به مبارزه پرداختند. بعضی از ججت الاسلامی جناح مسلط مانند "سلطانى" شادمانه فریاد کردند که "... حضرت امام عمده دیدگاه های دولت و جناح موافق او را تا شید فرموده و تلویحا و ضمیرحسباً نظریات جناح مقابل را رد نموده اند." (کیهان ۸ بهمن ۶۶)، فقهی جناح دیگر و لاخود را نیاختند و شایاناً کاتولیک ترا خود "پا شدند، آنها عنوان کردند، بلکه همه چیز در اختیار ولی فقیه است اما همه مصلحت ها را هم باید "فقیه" تعیین کند، حتی محمد یزدی در مقاله خود در رسالت بتاریخ ۷ بهمن عنوان نموده که هیچ تغییری رخ نداده و قبلاً شورای نگهبان اگر هیچ راه شرعی برای حل مشکلات نبودا ضربسه پذیرش "خلاف شرع" بعنوان مصلحت بود، حالاهم کماکان باید "مصلحت" مورد بررسی و تأیید قرار گیرد و این تنها در اختیار دولت و مجلس نیست، این ما شورها و حرکات بصور مختلف انجام موهنوز هم ادا می دهد، اگر همه چیز مطابق خواست جناح مسلط پیش میرفت آنها می باید در انتخابات آینده اکثریت قوی در مجلس

بدست آوردند تا به کمک طرح های دولت آمده و بسا تصویب آنها بقید "مصلحت" کارها را پیش برند، اما علیرغم همه تمهیدات چنین وضعی با ما نمی دست یافتنی نبود، یکی از نمایندگان جناح بسازار، ناروئی شما بنده هم، در مجلس فریاد بر می آورد که "کسانی که میخواهند از فرمانها و پشام ما بهره برداری سیاسی بکنند بدانند که این کار موجب خشم و غضب خداوند و ما زمان و همه رزمندگان و ملت ایران خواهد شد." و ادا می دهد که "... مردم توجه دارند که بعضی مدعیان طرفدار محرومین و مستضعفین قبل از پیروزی انقلاب در کجا منزل داشته و چه داشته اند و حالا چه دارند... و ما داده ایم که از شورای محترم نگهبان بخواهیم که در رسیدگی به وضعیت نامزدهای آینده زندگی و وضع قبل و بعد از انقلاب و ثروت فعلی را بررسی کنند و اعلام نمایند زیرا ما از این واقعی اما موخف فقا هت اطمینان کامل داریم... بهمین جهت رسیدگی به تخلفات آنان مورد تأکید است و باید زنده های درشت شروع کرد" (کیهان ۲ بهمن) مقامت در حدی بود که خا منده ای که خود ما جمعیه تهران است، در سمینار شمه جمعه برای بحث دربارها فتواها به بیانه بیماری شرکت نکرد و این حرکت او بصورت یک سوال اعتراضی در جلسه سخنرانی موسوی اردبیلی در قم از سوی حاضران مطرح شد که اردبیلی بیماری را عنوان نمود.

درکش و قوس این ماجرا هست که خمینی دستور تشکیل شورای تعیین مصلحت را با ترکیب فقهای شورای نگهبان، روسای سه قوه، دادستان کل، وزیر مربوطه در هر لایحه، خا منده ای و یک شما بنده خودش را میدهد، این شورا بنوعی احیاء "اجلاس سران سه قوه" است که دربارها گذشته و با ترکیب وسیعتری شکل گرفت اما بعطت توازن قوا و احتمالاً

کردن تنها دن شورای نگهبان در آن دوره بسا بن بست رسیده بود، مبنای تصمیم گیری در این شورای تازه، که بر اساس مصلحت است و نه فقه، و ترکیب آن، روی هم رفته گامی در جهت همان برنام حمایت جناح مسلط است، اما نفس خود تشکیل آن نوعی عقب نشینی در مقابل مقاومت روحانیون طرفدار ربا زار و شورای نگهبان است. چرا که اگر دیگر شورای نگهبان موضع قبلی خود بعنوان تصویب کننده نهایی طرحها و لوایح را از دست داده، دولت و جناح مسلط هم به تنهایی چنین نقشی را بدست نیاورده است، و این آنچیزی نیست که منطبق با شکل گیری اراده قوی و برپا شای دولت مقتدر برای روبرو شدن با بحران باشد، و ما وضع به همین جا خاتمه نمی یابد و معلوم نیست که ترکیب مجلس آینده هم بنحوقطعی باب میل جناح مسلط از کار درآید و این نیز مزید بر مشکلات خواهد شد.

با در نظر گرفتن این شرایط هر چند که این شورای جدید، سرعت اجلاس سران سه قوه بسا فرا موشی سپرده نخواهد شد اما خصوصیت برخوردارها و

شیوه حل اختلافات زمینه های تازه بحران درون حکومت را مهیا می کند، مبارزه فرساینده این دو جناح در درون "شورا" اگر چه با تصویب لوایح دولت هم، بصورت سرودم بریده آن، همراه با شادمانه خواهد یافت و بعطت حضور مستقیم ورخ به رخ و کشمکش بر سر هر موضوع و گره گاه با دو کیفیت تازه ای خواهد یافت، اینکها شکل این تصادمات به چه نحو خواهد شد را زمان تعیین می کند اما یک چیزا میشود در یافت، با گسترش بحران و دهان باز کردن حفره در حکومت، منفذ فوران خشم توده ها تعبیه میشود.

کارگران فولاد کرویپا ادا می دهند.

ادامه از صفحه ۱

مبارزه کارگران کرویپا در "رابین هاوزن" آلمان غربی که از بیش از سه ماه قبل برای جلوگیری از تعطیل کارخانه و بیکار سازی کارگران شروع شده ادا می دارد. در این مبارزه کارگری که در هله اول برای جلوگیری از بیکار سازی ۶۰۰۰ کارگر صورت میگیرد، بعطت عواقب تعطیل کارخانه در آن نواحی که اقامتگاهش بر محور آن می گردد، علاوه بر همبستگی کارگری، پشتیبانی وسیع اهالی منطقه برانگیخته شده است، ما حبان صنایع فولاد بعطت اضافه تولید در سطح بازار مشترک و غیرا قضا دی شدن تولید در سیستم سرمایه داری که بر افزایش نرخ سود استوار است، تصمیم به تعطیل گرفته اند، آنها از ایران که ما حب ۲۵ درصد سهام این شرکت است نیز نظر خواستی کردند، نمایندگان کارگران نیز از ایران خواستار موضع گیری بنفع دایر بودن کارخانه شدند. لازم به تذکر است که چند صد کارگر ترک در این کارخانه در نظر بیکاری هستند و نماینده جمهوری اسلامی در آغا زبا شعاردفاع از حقوق کارگران مسلمان عوام فریبی



می کرد، قبل از سفر معاون وزیر صنایع فقها بسرا بحث در این مورد، رفقای ما در منطقه "نوردراين- وستفالين" آلمان با صدور اعلامیه ای بزبان آلمانی، عوام فریبیهای شما بنده رژیم را افشا کرده و بسا کارگران در این مورد هشدار دادند و آنها را نسبت به ماهیت ضد کارگری و جانبداری از سرمایه داری رژیم فقها و عدم مگان موضع گیری از جانب آنها بنفیع کارگران مطلع نمودند، اما مصرا خواستار اعمال

فشار بر نماینده رژیم فقها نیز گردیدند، بسا معاون وزیر صنایع در سرب منطقه علیرغم شعار بنفع کارگران مسلمان با اتخاذ موضع عملی بسا نفع سرمایه و درخواست از طرفین برای مذاکره، هرگونه توهمی را نسبت به خود از بین برد، مبارزات کارگران و جلب همبستگی به صورت مختلف ادا می دارد و مثلاً تشکیل کمیته همشهری را بنفیع های هفتگی بین بقیه در صفحه ۱۰

نگاهی به "زن" در کلیدر

از لگدشدگی دیرینه و سخت جان است که بلقیس ، زیور ، شیرو ، دخترکان بلخی ، نوکچیان ، ... هر یک بگونه ای آنرا بیا نگرند .

تلاش دولت آبادی در تمویرا ستا دانسته زندگی و رنج زن جای سیاسی دارد ، اما در کنار این تلاش چیز دیگری نیز مطرح میشود ، جان سختی و عمق تفکر مردسالارانه که حتی نویسنده ادبیات پیشرو - ما را نیز در جنبه خود می فشارد .

"کلیدر" بلوغ ادبیات مردمی مفاصرمان و بی حقی زنان حتی در این عرصه را ، یکجا بنمایش می گذارد ، این تناقض در بیان هنرمندان در زنان و در عین حال عدم همدردی و قضاوت سنتی نویسنده خود را متجلی می سازد ، برای بررسی بسه خود "کلیدر" با زمی گردیم ، دولت آبادی ، احساس زیور ، زن نازاژی که با ازدواج مجدد شوهر و بیسرو میشود ، را اینطور بیان می کند :

"درون سینهاش نعره ای وحشیانه زبا نسه می کشید ... اما نعره فقط در کاسه سرخود زن ، در قلبش و در رگهایش ظنین داشت ، بیایانی خشک و شور بی رونق ، بی بار ، دست و پای زیور انگار جان جنبیدن نداشتند ، آنجا مثنی استخوان نشسته بود ، نه زنی در اوج بلوغ زنی ، زنی و پنج ساله ، نشانه ای از بیزاری ، سرخوردگی ، بؤمردگی ، تلخی ، کیسه ای پر زهر ، بپرت افتاده و بی پیوند ... گنگی زبانی و گسترده گی جان ، محرای به آتش در نشسته ، پشت لبهای بسته ، شعله ، شعله ای که با نیش نیست و پنداری آغای زیش نیز نبوده است ، از درچه چشمها زبانه می کشد ، صحرای سوخته ، صحرای سوخته ." (۱)

اما این تصویر عمیق و هنرمندانانه و تصاویری از این دست ، هیچیک نویسنده را به ریشه یا بسی مسائل زنان نمی کشاند و با اینکه می گوید : "همه آینهها ، بدل آزرده گی ، خریدنیگی ، سرکوفتگی ، راه به کینه می برند ." (۲) و با "دستی به نوازش ، بیگامی به پذیرفتن ، فریاد درسی در دست ، آبی بر آتش ." (۳) اما با زمشاء تنگ نگری و کینه رانندرسن دیربای مملط به زن ، بلکه در سرشت زن جستجوی کند : "دیگری اگر در کار چرب دست تراست ، ما به آزار زن است . سرکوفتگی می آورد ، اگر آزاده خوی است ما به خردی اوست ، اگر گشاده روی است ، دل او را می آزارد . جبین در هم کشیده اگر با شدخما انگیز است ، و همه آینهها - دل آزرده گی ، خریدنیگی ، سرکوفتگی ، راه به کینه می برند ، کینه اولین منزلگا هیست که زن در درون خود به آن می رسد ، آینه ، ویرانگر ، غوغائی از خشم درونش را برمی آشوبد ، آتش فشان درد ." (۴)

سر تا سر زندگی در "کلیدر" رشته ای بافته از کینه به پیدا ده است ، کینه لگد شده ها ، بلخیها ، قربان ها ، موسی ها ، ستارها ، ... به چکه پوش ها ، کینه قدیرها و نادلی ها به پندارها ، کینه و عصیان پسران کلمیشی ، در انتها کینه خان محمدها که نیا زمان آن را جا بگزین عشق گل محمدها می خواهد ، دولت آبادی عمری بر سر طرح و پرداخت

هنرمندان به این کینه ها می گذارد ، اما زمانی که به کینه در زن می رسد ، نوک استدلال را به همان سمتی می گیرد که تفکر عقب مانده سنتی پرچم دار آنست و لب کلام به احساس خود نویسنده :

"این را به یقین می توان گفت که زن وزن یکدیگر را از درون پس می زنند ، اگر چه در بیرونه خواهر گفته هم با شند ، چیزی درایشان هست که ترسو و حسود است ، دست و دلبا ز تریشان هم از این نقص برکنار نیست ، حسد به برآزنده ترا خود ، ترس از همو خطرا یکنه پسندیده تر افتد ، بیم و آس مانده ... (۵) و همین درک سنتی نویسنده از زن است که "کلیدر" را از یک قهرمان زن محرومی می سازد ، علیرغم سنت های مبارزاتی زنان از مشروطه تا به امروز ، از قره لعین ها و سریه ها تا صدها زنی که سیاه لپا لپا رژیسم اسلامی را مغلوب عشق خود ساختند ، دولت آبادی نمی تواند در سر تا سر زنان خود زنی همبای مردان بیرو را ند ، حتی در بیان افرادی سیاسی در شهر که در مبارزات آن سالها بی شک زنانی بینشان بودند ، یک زن پیدا نمی شود ، به زنان "کلیدر" برمی گردیم ، "شیرو" آن جسارت جوانانرا نه که سنت مردود را می درود و شرافتمندان را از حیثیت خود دفاع می کند و دولت آبادی خود در بیان جسارت او می گویند : "شیرو می دادند عشق عشق او را به دوزخ هم توانستند کشاند ، شیرو پیش رنگ خون خود بر خنجر برادر می بیند ... سفربیکا نه او را خود آغای زمی کنیم خدا نگهدار ، زندگانی همیشه ، زندگانی آرام ، زندگانی تسلیم ، سلام سرکشی ، سلام خروش ." (۶) اما ایستادن سرشت را هم پیروزی فراتر از نیا ز فردی اش نیست و راهی به دادخواهی اجتماعی نمی گشاید ، آزرده گی که دیر نمی پاید و جای شایسته خود را نمی یابد .

"ما را ل" در ابتدای داستان سوار بر "قره آت" می آید ، اما میدگستخی ، اما تا به آخر هیچ "افتخاری" جزمسری گل محمودا در فرزند و نصیبش نمی شود ، "چموشی" ابتدا دیری نمی پاید ، "رکاب" به گل محمدی دهد ، مرغ خانگی ، دست آموز ، انتظار مطلوب سنتی از زن ، و معلوم نیست چرا تا زه در انتهای داستان با سر بندی سرخ نقش "زینبی" خود را میورد که بیایازد .

"عشق سوتی" ، بران و روشن و بیولادیسن در تیرگی رندیها کم میشود ، فرجامش در ابها می گنگ فرومی رود .

"دختر افغان" ، قره ای در ظلمت ، می آید و می رود .

حتی "زیور" ، آن آندوه انباشته به گسترده گی کلیدر ، وقتی که در انتها به همگاری گل محمدها سلاح میگیرد ، با زردا دامه ، تلاشی است به حسرت هویتی ، فدای جان به تمنای نیمنگا هانان . بجز بلقیس که در انتها به آن می پردازیم ، هیچیک از زنان مطرح شده در "کلیدر" یا فراتر از دنیا ی تنگ عواطف فردی شان نمی گذارند دولت آبادی گل میخ تفکرش را بر سر نوشت همه آتسان

می گوید .

برخورد به روابط بین دوجنس نیز با زدر همان چهار رچوب سنتی خود را نشان میدهد . "لالا" با غرایز بیش از عرف معمول یک زن ، نه ما درونه همسر ، به مذاق نویسنده خوش نمی آید ، چوب تکفیر می خورد :

"حجب زنا نه به کارتا بدن هنگام است کسه دامگه ای تواند بود ، و مبادتا این حجب به زیر پای نهاده شود ، که زن به عطش نه است و مردیک ." (۷) نه سودا های رنگارنگ شیدا ، نه قدیر ، نه سودای پیرانه سرخان عمو نه حتی لجن با رگی بنسدار ، هیچیک نویسنده را به چنین قضاوتی از غرایز مردانه نمی کشاند ، این برخورد در جای دیگری نیز خود را نشان می دهد ، آنجا که گل محمده و همسر را یکجا به آغوش می کشد و با هر دو وداع می کند ، در اینجا تسلیم ناگزیر زیور به سر نوشت ، همان زیور که پیش ترا ستا دانسته بیان احساسش می بردا زد ، بی هیچ گرا هتی به تمویرا می آید :

"زیور همچنان سرگرم بازی دادن به کودک بود که گل محمده پیش رفت و بی اختیار با لگشود ، دست چپ بر شانه زیور را ست بر شانه ، ما را ل گذاشت ، دوزن را به هم آورد و ایشان را بر سینه فشرد ." (۸) با زوان مردانه به فراخی صحرا ؟ دوزن را در بر می گیرند و نویسنده غرق در "خموشی شوق و خسروش موج در کرب کرب قلبها" (۹) می شود .

گوئی غرایز انسانی را میتوان با روابط غیر عادلانه تحمیلی محروم نمود ، در اینجا آنچه که در حریم مردانه "چپا" ، همسر لالا ، به همدردی مذمت می شود ، در حریم بی حرمت زنان ، زیور ، "مباح" می گردد .

و سرانجام تنها زنی که نویسنده جا نیدارانه می بردا زده ، بلقیس است ، ولی دولت آبادی در بلقیس ، نه زن ، ما در را می ستاید ، اگر حرمتی است حرمت شیرو و رنج است ، "سرکستگی" ندارد ، با پس کشیدن بر ارقامتی که جوهر تما میروهای زمین است ." (۱۰) بلقیس اگر بر حق است از جانی است که قرا خست بخشیده و می بخشاید ، حق او نه حق زنا نه اش ، بلکه حق زندگی است که از او در دیگران جاری است ، و اگر حرمتی است بیاس این حق است ، بلقیس ، ما در به تاوان ذره ذره ، جان خود جای درد استان می یابد .

و لب کلام :

"چشمه توان و توش تمام مردان عالم ." (۱۱)

(نا هید نمرتی) ۸۸/۲/۳

(۱) ص ۵۵

(۲) و (۳) و (۴) و (۵) در ص ۳۹

(۶) ص ۱۱۳

(۷) ص ۱۵۹۴

(۸) و (۹) ص ۲۱۴۱

(۱۰) و (۱۱) ص ۲۰۶۰

از "ردی‌ها"ی دادگاههای پناهندگی در آلمان فدرال دفاع کنیم

ها" و سیاست حاکم برد اد گاه‌هاشده‌ای از این اعتراضات در میان پناهندگان می‌باشد. همین مسئله در سمینار سراسری کانون‌های پناهندگی در شهر آخن آلمان غربی بعنوان موضوع اصلی یک اعتراض سراسری مطرح شد.

شواهد موجود نشان می‌دهد، مسئله "ردی‌ها" و سمت گیری دادگاهها به معصل حاد پناهندگان در این کشور مبدل شده است. بنابراین مبارزه برای حقوق پناهندگی و دفاع از شرایط زندگی مهاجران امروز به این مسئله محوری گره می‌خورد. در این دوره باید دفاع از "ردی‌ها" را در رأس فعالیت‌های کانون‌های دموکراتیک پناهندگان در کشور آلمان قرار داد.

مبارزه برای پذیرش پناهندگی "ردی‌ها" و اصولاً علیه شرایط و مقررات سخت دادگاهها احتیاج به آن دارد که ماسعاهای روشنی را مطرح کنیم، و راه حل خود را ارائه دهیم. طرح یک شعار درست در این رابطه مبتنی است بر داشتن یک ارزیابی از شرایط کشور ایران و ملل عمومی که یک ایرانی را وارد او به مهاجرت و تقاضای پناهندگی از دولت‌های خارجی منجمله دولت آلمان غربی کرده است. از نظر ما موقعیت مهاجرین ایرانی از هر نظر استثنائی است و بررسی تک‌تک پرونده‌ها هر مهاجر کاری زاید است. یک مهاجر ایرانی که از کشوری آمده که مسئولین دولتی آن علناً حقوق بشر را به مسخره می‌گیرند و تعقیب و آزار هر صاحب‌اندیشه‌ای نجاز تعلق می‌گیرد، در کشوری که جنگ یک واجب الهی

است و هر کس موظف است از جان و مال خود برای کشورگشایی دولت ولایت فقیه بگذرد، در کشوری که تفتیش عقاید مردم و تجسس در امور شخصی زندگیشان برای ماورین و جاسوسان رژیم یک حق رسمی تلقی می‌گردد، و در کشوری که نهی از جمعیت اش، زنان، فاقد هرگونه حقوق مدنی می‌باشند، بقدر کافی دلیل برای تقاضای پناهندگی دارد. دادگاههای پناهندگی در مورد ایرانیان، باید همان قانونی را بکار گیرند که در مورد مهاجرین بیتنامی بکار بردند، یعنی پذیرش همه پناهندگان بدون تشکیل دادگاه، با وجود رژیمی که اکنون در ایران سرکار است و شرایط جنگ و خفقانی که برپا است، تمامی ایرانیان مهاجر حق پذیرش پناهندگی دارند. هیچ عاملی جز آنچه گفته شد دلیل مهاجرت ایرانیان نیست. این عقیده‌های است که تعدد ادبیات از وکلا و دست‌اندرکاران این امور در آلمان غربی برای کسب آن فعالیت می‌کنند. آنها با شناخت ارتداد مهاجران ایرانی و سابقه ایرانیان در هنگام مسرتگون شدن رژیم شاه که اکثر آنها به سوی کشور خود بازگشتند، تقاضا دارند که دادگاهها عموم تقاضایان ایرانی را تا تغییر شرایط سیاسی ایران بپذیرند.

شرایط داخل کشور ما و نوع رژیمی که بر سرکار است برای مسئولین امور پناهندگی آلمان غربی ناشناخته نیست، افکار عمومی مردم این کشور نیز تا حد زیادی با اوضاع ایران آشنایی دارند. بنابراین زمینه ذهنی برای طرح شعار مورد نظر مساعد

است. مانع اصلی پرسرواز، احزاب دست راستی و نیروهای ضد دموکراتیک اند، یعنی همان‌هایی که سیاست فشار بر پناهندگان را در مجلس و دولت این کشور پیش می‌برند. ما می‌توانیم به کمک تبلیغات بیشتر اوضاع و احوال ایران و دلیل عمومی مهاجرت ایرانیان و تبلیغ گسترده روی شعار فوق، همراهی بیشتر نیروهای ترقی خواه و افکار عمومی را به سوی خود جلب کنیم. در این میان، متمرکز شدن روی موارد رد شدگان و اثبات اینکه دادگاهها دلیل کافی برای عدم پذیرش پناهندگان ایرانی ندارند و اساساً تابع سیاست‌های ضد پناهندگی و زد و بند های سیاسی با رژیم اسلامی هستند، بر برد تبلیغی مان می‌افزاید. در همین مورد بعضی از کانون‌های پناهندگی میادرت به تهیه آمار از مردودین دادگاهها کردند که ابتکار مفیدی است. برای متمرکز کردن اطلاعات و داده‌های آماری در این زمینه، پیام کارگرازان کانون‌ها و همینطور پناهندگان که در دادگاه مردود شده‌اند، می‌خواهد که اطلاعاتشان را در اختیار این نشریه قرار دهند تا در دسترس همه انجمن‌ها، فعالین و سازمان‌های حقوقی مدافع پناهندگان قرار آده شود و کسار گسترده‌ای برای دفاع از "ردی‌ها" و تقاضایان پناهندگی که اکثر آنرا یک یا حتی بیش از دو سال است در انتظار دادگاهها بسر می‌برند انجام شود.

گروه‌های تشکلهای دموکراتیک در شهر آخن آلمان فدرال و دستاوردهای آن

از کارکرد خود از نشست سراسری دوم (سمینار دارمشتات) تا امروز را داده و گفت که بیش از ۴۴ کانون دموکراتیک دعوت به عمل آمده که تاکنون این تعداد خود را به اینجا رسانده‌اند.

پس از آن از بین نمایندگان حاضر ۴ نفر به عنوان هیئت رئیسه انتخاب گردیدند. هیئت رئیسه یک آئین نامه برای اداره جلسه به حاضرین ارائه داد و پس از آن دستور جلسه تعیین گردید. دستور جلسه سمینار عبارت بود از:

۱- جمع بندی از حرکت گذشته و موانع این حرکت و تعیین اصول دموکراتیک و همکاری برای حرکت آینده.

۲- بررسی امکان همکاری مشترک.

الف - در چارچوب یک پلاتفرم
ب - همکاری‌های موقت (اتحاد عمل‌های موقت) حول مغفلات پناهندگان.

۳- برنامهریزی حول فعالیت‌های مشترک عملی آینده.

آنگاه نمایندگان کانونها شبت ناموبه ترتیب نظرات خود را در مورد دستور جلسه نخست دادند. اما در پایان صحبت‌های نمایندگان، هیئت رئیسه موفق به جمع بندی واحدی نشد و بناچار دو جمع بندی به حاضرین ارائه داد:

جمع بندی نخست: الف - نگرشی می‌گوید برای شناخت پناهنده شرطی وجود ندارد. ب - نگرشی

معتقد است در دفاع از حق پناهندگی باید قید و شرط معینی وجود داشته باشد. کانونها می‌معتقد بودند که در منشورشان با سلطنت و رژیم جمهوری اسلامی مرز بندی شده، و کانونها می‌اعتقاد داشتند که علاوه بر موارد فوق (سلطنت و رژیم) با همکاران در رژیم نیز مرز بندی و بقیه بحثها پراکنده بود. این جمع بندی روابط درونی تشکلهای و همچنین رابطه این تشکلهای با پناهندگان را چنین ارزیابی می‌کرد:

الف. روابط درونی کانونها غیر دموکراتیک است.

ب. علت رویگردانی پناهنده‌ها از این کانونها، سیاسی بودن عناصر فعال آن کانونهاست. ج. این کانونها دچار بحران هویت هستند.

جمع بندی دوم: ۱۲ کانون معتقد بودند مطالبات صنفی - دموکراتیک و سیاسی پناهندگان می‌باید بعنوان اصول دموکراتیک در چگونگی کار انجمن‌های دموکراتیک مینا قرار گیرد، و کانون اعتقاد داشتند پناهندگان نمی‌توانند در یک کانون متشکل شوند و باید دیده موجود پناهندگی بوده اندیسا نه (با سازمانهای سیاسی موجود پناهندگی نباید اتحاد عمل نمود). دسته‌ای بدون قید "سیاسی" همواره به شکل فرا میخواستند و دسته‌ای با سلطنت مرز بندی دارند و دسته دیگری علاوه بر سلطنت طلبان با حزب توده و اکثریت مرز بندی کرده و حاضر به همکاری با آنها نیستند. عمدتاً به محورهای زیر تکیه می‌شد: علم یا بیبندی به سمینار دارمشتات و بحران هویت.

پس از ارائه جمع بندی دوگانه، هیئت رئیسه پیشنهاد کرد مفاد آن به تصویب حاضرین برسد. اما تعدادی از نمایندگان برای گیری مخالف بودند و سرانجام مقرر گردید تنها می صحبت‌های نمایندگان و جمع بندی هیئت رئیسه در یک بولتن منتشر شود. تصمیمات متخذه:

- ارائه یک بولتن خبری مشترک
- ارائه بولتن نظری (که در آن بحثهای مختلف مندرج شده و از درون این بحثها دستور جلسه سمینار بعدی درآید)

- اعتراض به ردی و استرداد در آلمان
- حمایت تبلیغی از آوارگان ایرانی در پاکستان، ترکیه و عراق

- ایجاد یک صندوق مالی مشترک،
- نامگذاری یک روز بینا مروز بینا هنده
- برگزاری یک تظاهرات سراسری در بین شعاری حول مسائل پناهندگی، جنگ و زندانیان سیاسی، (که شعاری آن به تصویب رسید و ۱۶ کانون در این زمینه به توافق رسیدند.)
علاوه بر اینها تشکلهای زیر مسئولیت پذیرفتند:

جمع آوری و چاپ بولتن بحثها: کانون دفاع از زندانیان سیاسی برلین غربی
جمع آوری و چاپ خبرنامه مشترک و همچنین پیاده بقیه در صفحه ۹

"آزادگان جهان!"

اوضاع در اینجا بحرانی است! کمیساریای عالی را در فشار بگذارید!

سحرگاهد وازد هم فوریه "کاک سردار" پناهنده کرد در پاکستان خود کشتی کرد. از مدتی پیش کارت پناهندگی وی از طرف نمایندگی سا زمان ملل در کراچی سوراخ شده بود و نتیجه او از حق سوراخ پناهندگی محروم و مجدداً به خیل هزاران ایرانی آواره و یگریوسته بود. "کاک سردار" با خود کشتی تلاش کرد فریاد اعتراض خود را علیه عملکردهای ضد انسانی باصلاح مسئولین امور پناهندگی سا زمان ملل کراچی به گوش انسان دستان جهان برساند، تا بلکه بخود آیند و با حرکت متحد خویش نمایندگی سا زمان ملل در کراچی را به جاده اصول و قوانین مدونش بازگردانند.

شورای پناهندگان و آوارگان ایران - پاکستان - کراچی در اطلاعیه ای به تاریخ ۱۲/۲/۱۹۸۸ خبر خود کشتی "کاک سردار" را به اطلاع جهانیان رسانید و در بخشی از آن خطاب به هموطنان چنین نوشته است:

"کاک سردار" نمونه بارزی از آزادخواهان جهان بود که سالها برای رهایی خلقهای منطقه از یوغ ظلم و ستم جنگیده بود. شور انقلابی وی و تلاشش به خلقها و رهایی آنان از جمله، موجب آشنائی او با سنن ملی، زبان و بطور کلی فرهنگ خلقهای کرد، عرب، بلوچ و فارس شده بود. برخورد های صمیمانه و آوای گوم کردی او در خاطر ما محو نشدنی است.

سردار انسان زحمتکشی بود و زندگی سرشار از مبارزه اش در عین حال گویای مصائب بیشمار است که تحمل کرده بود. برخورد غیر انسانی در قفس سا زمان ملل کراچی با او قطع کلیه حقوق پناهندگی اش آخرین ضربه ای بود که او را از پای در آورد و موجب خودکشی او شد."

در پیشد یگری از اطلاعیه شورا اخیراً زحمت و اعتصاب غذای زیادی از زنی، مرد و کودک آواره است. آنها مدت د هفته است که برای اعتراض به اعمال غیر قانونی در قفس سا زمان ملل در کراچی دست به این اقدام زده اند. در متن آنجا که مادر چند فرزند هستند به حالت اغما افتاد و به بیمارستان انتقال یافته اند. سیاست سکوت، دفع الوقت و بی تفاوتی مسئولین سا زمان ملل کراچی در مقابل اعتصابیون و سپردن آنها بدست پلیس، عرصه را برای آوارگان تنگ تر و غیر قابل تحمل تر کرده و مواقیب چون خودکشی در پی داشته است.

افزایش رد تقاضاهای پناهندگی، اخراج، تصیقات حقوق انسانی و قطع حقوق پناهندگی، پروسه های از یک سیاست عمومی هستند که هر روز توسط د ولت های امپریالیستی و ارتجاعی علیه پناهندگان و آوارگان، بویژه آوارگان ایرانی اعمال می شوند و روبه گسترش هستند. باید متحد علیه این سیاستها بپاخیزیم، هرچائی هستیم، سوئد یا آلمان، انگلستان یا آمریکا، فرد انوبت ماست.

مناجبه ای با سیرمن وزیر داخله آلمان فدرال

سیرمن می خواهد سدی در جلوی سیل پناهندگان ایجاد کند
مناجبه از: کارل هوک پرویور

سه شنبه: ۲۶ ژانویه

خبرنگار: تعداد متقاضیان پناهندگی در سال گذشته بنحوی قابل ملاحظه ای کاهش یافته است، شما گفته اید که این رقم از صد هزار نفر به شصت هزار نفر در سال گذشته رسیده است، پس چرا شما همچنان از طوفان پناهندگان صحبت می کنید؟

سیرمن (Zimmermann): این زنگ خطری است که از مدتها پیش بمدامده است. در سال گذشته زمین متقاضیان پناهندگی فقط ده درصد پذیرفته شده اند. این بدان معنی است که نود درصد آنان پناهنده سیاسی نیستند، آنها به دلایل اقتصادی به اینجا می آیند، آنها بدلیل نداشتن امکانات خوب تغذیه و ترس از جنگ فرار می کنند. بر اساس قوانین و ارزشهای ما هیچ دلیلی وجود ندارد که آنها بتوانند پذیرفته شوند.

خبرنگار: شریک اشتلاقی لیبرال شما، مدعی است که شما با علم کردن مسائل پناهندگان و خارجی ها می خواهید دست خود را در تشدید قوانین ضد پناهندگی باز کنید.

سیرمن: این یک اتهام بی اساس است.

خبرنگار: شما اخیراً طرح قانون جدیدی علیه خارجیان اعلام کرده اید که در کارکامینه اشتلاقی موجب مشاخره شده است. این قانون مشتمل بر چنانچه است؟

سیرمن: قانون جدید وضعیت خارجیانی را که مدتهاست در کشور ما کار می کنند، تشبیه می کند یعنی یک پوشش مثبت برای آنهاست. در واقع این قانون جدید یک پوشش منفی برای آنهاست که به نفع آنهاست و در سرزمین ما شده و در اینجا اقامت گزیده اند. یعنی متقاضیان پناهندگی و فراریانی که قبول نشده اند. در این قانون امکانات بازگرداندن آنها گنجانده شده است. اگر ما اینکار را نکنیم، بیم آن می رود که طوفان فراریان همچنان به سوی آلمان ادامه داشته باشد. در پیرامون ما تمام کشورهای مهم قانون خارجیان و پناهندگی را تشدید کرده اند. ما نمی توانیم که بجز آن را انجام دهیم.

کراچی - پاکستان:

بدستور مسئولین سا زمان ملل پلیس به متحصنین حمله کرد.

نهتن از ایرانیان آواره به تنگ آمده که به علت عدم پذیرفته شدن درخواست پناهندگی شان از طرف نمایندگی سا زمان ملل کراچی در مقابل درب این ادا ره دست به تحصن و اعتصاب غذا زده بودند، در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸ مورد حمله پلیس منطقه (دیفنس) واقع شدند. در این حمله که منجر به ضرب و شتم و دستگیری آوارگان ایرانی گردید، دوزن از ناحیه دست و پا مجروح شدند. در بین متحصنین دو کودک ۱۲ ساله نیز به چشم می خورد.



اعتصاب غذا، برای گرامیداشت قیام ۲۲ بهمن

بایروت - آلمان فدرال:

۱- جنگ ارتجاعی ایران و عراق هر چه زودتر باید ختم می شد.
۲- هرگونه صدور اسلحه به طرفین درگیر جنگ را محکوم می کنیم.
۳- وجود ناوگانهای جنگی در خلیج فارس را محکوم می کنیم.
۴- به حمایت از جان هزاران زندانی سیاسی بپاخیزیم."

تعدادی از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم بایروت، بخاطر گرامیداشت خاطره قیام ۲۲ بهمن و دفاع از دستاوردهای آن که به تسلط یک ضد انقلاب مذهبی، رژیم جمهوری اسلامی، پامسال گردید بمدت ۳ روز از تاریخ چهارشنبه ۱۵ فوریه تا جمعه ۱۲ فوریه دست به یک اعتصاب غذا سمبلیک زده و با صدور اعلامیه ای خواستهای زیر را مطرح کردند:



هايدلبرگ - آلمان فدرال:
تظاهرات اعتراضی پناهندگان

روزشنبه ۱۹۸۸/۱/۳۰ حدود ساعت ۸ بعد از ظهر صد های جوان نکو فاشیست به خوابگاه پناهندگان واقع در شهر شریس هایم (Schriesheim) ، شهرکی در نزدیکی هایدلبرگ حمله کرد و با فریاد "خوکها ، خوکها" وارد اتاقهای کانتینو (محل زندگی این پناهندگان) شده و بد و پناهنده هندی را که در حال استراحت بودند مورد ضرب و شتم قرار داده و زخمی

کردند . آنها همچنین یکی از پناهندگان ایرانی را با اسلحه گرم تهدید کرده و ۳ عدد از رهسار را شکستند . تعدادی از پناهندگان موفق شدند در بهار از ازیشت قفل کرده و از طریق بندر فرار کنند و به پلیس اطلاع دهند . اما ماجمین نیز بسرعت خوابگاه را ترک و فرار کردند . این خبر روز دوشنبه در مطبوعات "شریس هایم" و هایدلبرگ منعکس شد .

برای اعتراض به این تهاجم که نتیجه تحریکات روزانه راد یوها و تلویزیون آلمان فدرال و برخی مقامات مسئول دولتی است ، پناهندگان شهر شریس هایم ، هایدلبرگ و برخی هواداران نیرو -

گوتنبرگ - سوئد

های سیاسی در هایدلبرگ همراه با افراد مترقی آلمانی تصمیم گرفتند که روز ۱۳/۲/۱۹۸۸ تظاهراتی را برگزار کنند . این تظاهرات در روز مقرر با شرکت حدود ۳۵ نفر از پناهندگان و افراد بشردوستانه و نیروهای سیاسی آلمانی برگزار گردید . تظاهرکنندگان فریاد می زدند : " از حقوق پناهندگان و

پناهندگان متحدان از اخراج یک دختر ایرانی جلوگیری کردند

سوئدی های مترقی در روزهای ۵ و ۶ دسامبر ترتیب یافته و اخبار آن بسرعت در میان پناهندگان ایرانی، پخش گردید . پس از آن شهرهای مختلف سوئدی یکی پس از دیگری اعلام همبستگی کردند . چنانچه در بیش از ۱۴ شهر سوئد حرکات اعتراضی در شکل گوناگون علیه اخراج ها و سیاست های ضد پناهندگی دولت سوئد به اجرا درآمد .

در شهر محل دستگیری و بازداشت پناهنده ایرانی، گوتنبرگ حرکات اعتراضی وسیعی از طرف ایرانیان پناهنده سازمان یافت و در نهایت در نتیجه همکاری و هوشیاری پناهندگان اخراج دختر ایرانی و حکم اخراج یک مادر ایرانی و دو فرزند خردسالش لغو گردید و او از بازداشت آزاد گردیدند .

اقدامات اعتراضی پناهندگان ایرانی که در شروع خود بی نظیر بوده است در ۵ روز متوالی در شهر گوتنبرگ در شکل گوناگون از جمله اعتصاب غذای ۵۰ نفر از پناهندگان، تظاهرات در مقابل اداره پلیس و صدور قطعنامه ، بسیج احزاب سیاسی نیروها و شخصیت های مترقی سوئدی، راهپیمایی با مشعل در سطح شهر، جمع آوری امضاء در سطح شهر، تظاهرات در مقابل رادیو و رسانه های جمعی ...

لازم به ذکر است که دولت سوئد به نقل از روزنامه های این کشور هواپیمایی را به مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰ کرون کرایه کرده بود ، تا همراه با پناهنده مزبور ، تعداد دیگری از پناهندگان ایرانی را که اکثر آنها زنان، دختران ، کودکان و نوجوانان بوده اند ، به دولت ایران تحویل دهد .

علیرغم هیاهوی کشورهای سرمایه داری غربی در دفاع از حقوق بشر ، معامله های رسوا بر حقوق انسانی پناهندگان و مهاجرین ، تحقیقات روزمره اجتماعی، تحریک گروههای فشار ضد خارجی، افزایش بی رویه و بدون دلیل "ردی" ها در دادگاههای پناهندگی ، قرار دادن پناهندگان در یک شرایط زندانی غیر انسانی، اما ماهیت واحد سیاست های ایمن کشورها درقبال مهاجرین و پناهندگان از میسان خلقهای تحت ستم است . همچنانکه در نشریه شماره ۸ پیام کارگرها هنگی سیاست های ضد پناهندگی این کشورها در نشست فوریه ۱۹۸۷ سوئیس را افشاء کردیم ، با اعمال کردن حقوق انسانی آنها و رگان و مهاجرین تنها مختص یک کشور و بویژه پاکستان و ترکیه نیست و در این میان کشورهای معظم سرمایه داری و با اصطلاح دنیای آزاد دست کمی از آنها ندارند . خبر زیر را که نمونه ای از دهها گزارش از این دست بوده و سیاست های ضد انسانی دولت سوئدرا که حتی بیش از سایر دول اروپایی مدعی دفاع از حقوق انسانی است ، افشاء می کند ، بدلیل اهمیت آن از لحاظ هماهنگی مقابله پناهندگان درج میکنیم :

یک دختر ایرانی که تقاضای پناهندگی و از طرف دولت سوئد رد شده بود ، به بهانه ملاقات با وکیل تسخیری جدید به اداره مرکزی پلیس دعوت شده و آنجا روز ۴ دسامبر دستگیر و در انتظار اجرای حکم اخراج ، زندانی گردید . او به محض بازداشت دست به اعتصاب غذا زد ، با رسیدن خبر دستگیری به دوستان و آشنایان او در شهر لاکسا (Laxå) اعتراضات و تظاهرات گسترده ای با شرکت پناهندگان ایرانی

یک درخواست!

کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران - هامبورگ که چند ماه پیش تا سیم شده و تا بحال اقدامات چندی برای دفاع از حقوق زندانیان انجام داده است ، طی نامه ای به همه گروهها ، سازمان ها و محافل مترقی ایرانی از جمله سازمان مادر زمینه مسائل زندانیان سیاسی طلب همیاری نموده است . ما با استقبال از خواست این دوستان و آرزوی موفقیت برای آنها ، خلاصی نامه ایشان را در اینجا درج می کنیم ، تا علاقمندان برای همیاری با آنها از درخواست این کانون که جنبه عمومی دارد مطلع گردند :

دوستان عزیز ، کانون ما ... اهداف مشخص ؛ لغو شکنجه و اعدام ، آزادی همه زندانیان سیاسی ، تامین حقوق انسانی زندانیان و در نهایت برقراری عدالت و آزادی اجتماعی در کشور را پی می گیرد . ما برای پی گیری اهداف خود ، امکانات کمی در اختیار داریم و به همیاری همه آشنایان که به آزادی و عدالت اجتماعی و بالندگی آن اعتقاد عمیق دارند ، نیازمندیم . لذا از شما خواهشمندیم با توجه به امکانات محدود مالی کانون ، ضمن ارسال یک نسخه از نشریات خود به آدرس ما ، در زمینه مسائل زندانیان و زندانیان سیاسی ، هرگونه اطلاعاتی دارید و یا کسب می کنید ، ما را محروم نگذارید .

Adresse: Postfach 540511

2000 Hamburg 54

با تشکر فراوان و آرزوی پیروزی: کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران - هامبورگ

فروپاشی خدمات درمانی در انگلستان

گام اول بصورت خودداری از افزایش بودجه متناسب با تورم و انتقال بخشی از مخارج درمانی نظیر آژما پشات تشخیص سرطان، آژما پش چشم، معاینه دندان و غیره به بیماران عملی میشود، بودجه درمانی انگلستان رقمی نزدیک ۶ درصد تولید ناخالص اجتماعی این کشور است که پائین تر از رقم پاره‌ای از کشورهای دیگر اروپائی می‌باشد اما دولت تا چنانچه فی‌بوتن بودجه را رد کرده و بی‌کفایتی بوروکراسی بخش درمان را دلیل اصلی مشکلات درمانی میدانند و این درحالی است که سیستم درمانی ۲۰۰ میلیون پوند کسر بودجه داشته است. اما در دوران حکومت وی پزشکی خصوصی یکی از سودآورترین مشاغل بوده و بیماران نه‌بسی خصوصی به علت ارائه خدمات بهتر رونق یافته‌اند. ولی دقیقاً به دلیل همین رونق بخش خصوصی است که از یک سوبخشی از پرسنل فنی و علمی بیمارستان‌ها به دلیل دستمزد پائین تر، کار خود در بیمارستان دولتی را ترک کرده و به این بخش می‌پیوندند و از سوی دیگر با افت کیفیت درمان و آسائسا مکان درمان در بخش دولتی، با زاری بخش خصوصی گرم‌تر می‌شود. این سیاست زیرکانه دولت بورس با زها، دلالت‌ها و شرافیت نفرت انگیز انگلستان در دوران حکومت "توری" هابی و قفسه‌آدا می‌باشد و به وضعیتی منجر شده است که بخشهای کم‌درآمد جمعیت هرچه بیشتر از خدمات پزشکی محروم شوند، آنهم در کشوری که دارای یکی از پیشرفته‌ترین سیستمهای آموزش پزشکی و دارای باقیه اعتبار خاصی در زمینه پزشکی است. سه‌کال سلطنتی پزشکی انگلستان (داخلی، جراحی و زنان) در بریتانیه خود ضمن حمله به دولت به همین نکته اشاره کرده و از جمله می‌گویند که "... خدمات پزشکی ما که زمانی مورد رشک جهان بود، اکنون در آستانه فروپاشی قرار دارد".



هما‌نطور که دیدیم، دولت انگلستان سیاست سپردن امور همه‌بخشهای قبلا

دولتی شده، اقدام به بخش خصوصی را در مورد بخش خدمات درمانی با شیوه خاصی بکار می‌برد و دخالت دولت در خدمات را بصورت عملی تا آنجا مجاز می‌شمارد که شرایط کسب‌نا و آبدار بخش خصوصی را هرچه بیشتر فراهم‌تر کند. اما در این میان دو مانع اصلی بر سر راهی قرار دارند. نخست پزشکان و پرسنل شاغل در بخش دولتی و آن دسته‌ای از پزشکان که وجدان پزشکی خود را زیر پا نمی‌گذارند. این گروه نسبتاً سازمان‌یافته معترضان به سبک‌های پلیس و نه‌بای قانون‌های ضد کارگری و شیوه‌های شناخته‌شده‌ای که برای درهم‌کوبیدن جنبش کارگری بکار رفت نمی‌توان از میان برداشت و درهم‌شکست. دوم جمعیت عظیمی که به دلیل محدودیت‌های مالی خود نمی‌توانند مشتری هم‌طبقه‌ای‌های محترم‌انتم‌نا چرب در بخش خصوصی پزشکی شده و بی‌نارین از سرنا چاری دست‌به‌اعتراض می‌زنند. اگرچه تاکنون موفق به سازمان‌ندادن خود نشده و به حمایت از فعالیت‌های افشاگرانه مطبوعات بر علیه دولت بسنده کرده‌اند، اما همین حمایت معنایی بجزیگ شکست سیاسی مهم‌برای محافظه‌کاران ندارد. رسوائی تا چریسم و جوهر ضدا نمانی آن هیچگاه این چنین به صراحت برای افکار عمومی به نمایش درنیا مده‌ببود.

"این دیوانگی است،" عبارت فوق‌رایکی از مسئولین خدمات پزشکی ملی انگلستان در مورد یک بیمارستان دولتی بکار می‌برد: "... تا زها اگر بتوانیم تخت‌ها را نگهداری کنیم، نمی‌توانیم به بیماران غذا و لباس بدهیم و یا به آنها دارو بپوشانیم! ...". مثلاً به جملات فوق در ۶ هفته گذشته تقریباً هر روز در مطبوعات انگلستان منتشر شده و بی‌مثلاً اسناد غیرقابل انکار رسوائی دولت توری در زمینه خدمات درمانی محسوب میشوند.

خدمات پزشکی انگلستان (دولتی)، به طریق تصویری که مطبوعات ایسین کشور از آن ارائه می‌دهند، در آستانه فروپاشی کامل قرار دارد. درحالی‌که هم‌اکنون نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر در لیست انتظار برای پذیرفته‌شدن در بیمارستان‌های دولتی قرار دارند، فقط در سال گذشته حدود ۳۰۰۰ تخت بیمارستان برچیده شده و بیش از ۳۰ هزار پرستار (غالباً با تخصص) استعفا داده و به بخش خصوصی رفته‌اند. سال‌خوردگان در کشوری که در دهه گذشته تعداد افراد بالاتر از ۷۵ سال دوبرابر شده است به دلیل اینکه در حال خواهند مرد در بیمارستان‌های دولتی پذیرفته نمی‌شوند و دلیل اصلی این امتناع نیز این است که پاره‌ای از بیماران تنها تا ۵۰ درصد (و غالباً تا ۳۰ درصد) کمبود پرسنل دارند. بخش‌های از واحدهای درمانی و دولتی با کمترین امکانات فنی و انسانی به زحمت سرپا هستند و غالباً به شرکت‌های وسایل درمانی و داروئی و به پرسنل خود بدهکاری دارند. در سال گذشته طبق یک ارزیابی حداقل ۱۰۰۰ نفر به علت اشتباهات جراحان و پرسنل اتاق جراحی جان سپرده‌اند و این با توجه به فقدان ویا کمبود حداقل تخصص پزشکی و فنی در بخشهای جراحی هر روزها اتفاق می‌افتد. در مواردی جراحان بدون تجربه حتی بدون حضور جراح با تجربه تریه عمل جراحی مغز اقدام کرده‌اند و متخصصین بی‌تجربگی با طاعت ندامت‌کاری و یا بی‌اطلاعی، بیماران در حین جراحی کشته‌اند! پاره‌ای از گزارشات از رفتار غیر انسانی با بیماران مبتلابه سرطان و شرایط تاسف‌آور زیست‌سال‌خوردگان در آسایشگاه‌های مخصوص خبر می‌دهند.

اما آنچه که به افشاکاری‌های فوق در مطبوعات منجر شد (وما تنها پاره‌ای از آمارها و اطلاعات را نقل کردیم) ماجرای جراحی قلب یک نوزاد شش‌هفته‌ای بنام دیویدا ربر بود. دیوید که از آغاز زندگی کوتاه ۵۷ روزه‌اش، مبتلابه نقص قلب و محتاج جراحی بود، با رنوبت جراحی‌اش به این دلیل نفوشده که مکان جراحی وی به دلایل گوناگون از جمله نبودن اتاق جراحی نبود. درحالی‌که خطر مرگ وی را تهدید می‌کرد و از پزشکان و مسئولین بیمارستان دولتی نیز کساری ساخته نبود، پدر وی به دادگاه عالی شکایت کرد و دادگاه عالی نیز شکایت وی را رد نمود!

با انتقال یافتن موضوع به مطبوعات بود که تا چرمجبور شد شخصاً دخالت کرده و موجب جراحی وی را فراهم‌کنند. اما این دخالت سرپوش‌نهادن بر مسئله را که هدف اصلی دولت بود غیرممکن کرد. با علنی شدن موضوع مشخص شد که در همان بیمارستان در سال گذشته ۳۴ طفل محتاج عمل جراحی را به‌خانه فرستاده و ۳۷ جراحی از مجموعه ۱۱۷ جراحی قلب را نفوش کرده‌اند و آنگاه سیل اطلاعات تفاسیر، مصاحبه‌ها و بی‌بانی‌ها، مطبوعات انگلستان را پر کرد. دولت محافظه‌کاران در موضع غیرقابل دفاعی قرار گرفت. پزشکان و نهادهای محافظه‌کاری مثل تشکلهای علمی پزشکان و وادانگهان به افشای ادعاهای نیمه‌دروغ دولت تا چر پراختند. برای اولین بار در انگلستان پرستاران در منجستریه اعتراض کاهش دستمزد شب‌کاری و اضافه‌کاری آخر هفته‌ها عصبان کردند. و حتی جریانات ناراضی حذب محافظه‌کار نیز فرصت را برای استفاده سیاسی مناسب‌دانه دست‌بکار شدند.

دلایل اصلی وضعیت خدمات پزشکی انگلستان را ما با پیدا ساسا با توجه به مجموعه سیاست‌های اجتماعی محافظه‌کاران جستجو کردیم. این سیاست در یک کلام عبارت است از کاهش هزینه‌های اجتماعی دولت و فراهم‌آوردن امکانات فعالیت سودآور بخش خصوصی در زمینه خدمات. این سیاست در زمینه درمانی در

ما و خوانندگان

رفقای عزیز "پیام کارگر"!

ضمن سلام و تبریک برای انتشار هرپانزده روز یکبار نشریه پیام کارگر و با آرزوی اینکه در امر فعالیت‌های انقلابی خارج از کشور موفق و پیروز باشید.

رفقا! در نشریه شماره ۷ صفحه ۶۰ مطلب "راهپیمایی مرکزی علیه جنگ ایران و عراق" برگزار کنندگان این راهپیمایی را بعزت عدم اشتغال اعضا و هویت سیاسی مشخص مورد انتقاد قرار داد و اید و از آنها خواسته‌اید که قبل از هر چیزی می‌بایستی هویت خود را مشخص می‌کردند. آیا این لازم است که برای برگزاری و یا انجام یک اقدام مشترک در موکراتیک و موقتی بایستی حداقل در بعضی زمینه‌ها اشتراک نظر وجود داشته باشد یا مهم عملی ساختن همان مورد مشخص است تا زمانیکه به پرنسپ سیاسی سازمان شرکت کننده و خواسته‌های طبقه کارگر مورد لطمه‌ای وارد نشود، آیا احتیاجاً لازم است نام و هویت سازمان شما با زمانهای برگزار کنندگان مشخص باشد تا بتوان یک هدف خاص و مشترک را به پیش برد یا میتوان با نام گذاری مثلا کمیته برگزار کنندگان تظاهرات ضد جنگ، به افشای رژیم پدخت و توان تعداد بیشتری از توده‌ها را به شرکت در این نوع اقدامات جلب کرد؟ بدون شک منظور این نیست که چنین کمیته‌ای بایستی فاقد پرنسپ و برنامه مشخص سیاسی باشد بلکه نظر این است که می‌توان بدون نام بودن از سازمان خاصی اقدام به برگزاری تظاهرات برای پیشبرد هدف شخصی کرد و این فریب توده‌ها نیست چرا که هدف این تظاهرات و یا اقدامات تعیین سیاست حکومت آینده یا تشکیل مجلس مؤسسان و غیره نیست و یا مثل جمهوری اسلامی که از احساسات توده‌ها سوءاستفاده کرده و با انجام تظاهرات خاصی اهداف دیگری را دنبال می‌کند. هم‌اکنون که هنوز بسیاری حتی از نام سازمان سیاسی خاصی نفرت دارند و با آنرا طرد می‌کنند بدون اینکه شناختی بدان داشته باشند، چگونه می‌توان تعداد بیشتری از توده‌ها را به شرکت در اقدامات موکراتیک و انقلابی جلب کرد، طبعاً نمی‌توان نباید کمیته‌ای تشکیل داد که حاصل نظرات متناقض باشد و مثلاً از منهای بی‌نهایت تا به اضافه بی‌نهایت در نوسان باشد ولی می‌توان با برطرف نمودن بعضی مقررات دست و پاگیر و خصوصیات سکتاریستی زمینه مشارکت هر چه بیشتر مردم را فراهم کرد و اراده آنان را جهت شرکت در امور زندگیشان تحریک نمود. هم‌اکنون غیر از سلطنت طلبان قریب به اتفاق سازمانهای سیاسی و اکثریت توده مردم از جنگ و مصائب آن به‌زار ترسند. تظاهرات ضد جنگ، گذشته از انکشاف زمینه‌های فعالیت مردم محل مناسبی است برای افشای رژیم و تحت فشار قرار دادن آن جهت رزمینه داخلی، چه بین المللی و در این موارد اگر برگزار کردن تظاهرات و یا انجام فعالیتی ضد جنگ ضرورت بدنام و مضای مشخص سازمان برگزار کنندگان

رفیق "بابک" از تبریک شما بمناسبت ۱۵ روزه شدن "پیام کارگر" از صمیم قلب تشکر می‌کنیم. حمایت‌های رفقای چون شما گرمی بخش قلب‌هایما است. دقت و علاقه شما برای ارتقاء کیفیت "میزانها" پیام کارگر ستودنی است. منتظر نامه‌های شما هستیم. اما در مورد نکاتی که اشاره کردید: اگر در مقابل تیرمقالاتی که از صفحات دیگر ادامه پیدا کرده‌اند طبق پیشنهاد شما سه نقطه (۰۰۰) بگذاریم، بلحاظ قوانین دستوری و علامت گذاری تولید اشکال خواهد کرد. چرا که مثلا نمونه "هزار رنگ و رنگ اصلی" بلحاظ دستوری می‌رساند که جمله کامل ذکر نشده و قسمتهایی از آن در قسمت راست حذف شده است. بنابراین ما فقط زمانیکه عنوانی را بلحاظ صرفه جویی کامل نمی‌نویسیم در سمت چپ آن سه نقطه می‌گذاریم. مثل "هزار رنگ و..." که در این صورت اشکال دستوری پیدای نمی‌کند. فکری می‌کنیم برای رساندن اینکه مطلب از صفحه دیگری به این صفحه ادامه پیدا کرده است تنها راه نوشتن "ادامه از صفحه..." باشد.

تلاش می‌کنیم طبق پیشنهاد شما از خط کشی بین مطالب بهره‌برداریم و در اساس مطلب را طوری بچینیم که خود بطور طبیعی با مطالب دیگر مرز داشته باشد. اما این قانون مطلق نیست. مواقعی دست و ستون کردن مطلب و جد کردن آن با خط افقی و یا عمودی با مطالب دیگر آرایش صفحه را زیباتر می‌کند.

در رابطه با کلیشه کردن برخی خود افشاگرها از روزنامه‌های رژیم و برخی گزارشات، توصیه‌های شما را می‌پذیریم.

رفیق الف - نوید شعر "ترا دیدم" به نشریه رسیده است جوهر آنچه که می‌خواستید بگوید اگر چه زیباست و خواننده را به لحاظ ریتم شنیدن بسیار بعضی از غزل‌های شمس می‌اندازد. اما صرفاً ریتم تند در شعر نمی‌تواند به اندازه‌ای که شعریا سخ مثبت دهد. در عین حال این شیوه به شکلی تکامل یافته ترقی بلا و سیلابه گلچین گیلا و تند رکیا در دهه‌های گذشته ساخته شده است که از جمله می‌توان شعر "باران گلچین را نام برد. اما آنچه که اثری را به شعر نزدیک می‌کند علاوه بر دهها عنصر دیگر، ایها می‌است که شعریا بدین کلیت کار خویش آن را بکار برد و با تداوم و بیروخیسالی عاظمی موضوع را به خواننده منتقل کند. بهر حال موفق باشید و ما بیشتر مکتب‌نما نماند.

رفیق گرامی ف - فریاد! نوشته‌تان تحت عنوان "وظایف من بعنوان یک پناهنده" بلحاظ شیوه‌ای که برای تشریح وظایف یک پناهنده و عنصر آگاه بکار برده جالب و مبتکرانه است. ولی ایده‌هایی که در آن ارائه کرده‌اید، در حد یک طرح مقدماتی است که احتیاج به کار بیشتر دارد. ما منتظر کار بعدی‌تان هستیم.

رفقا، مهران و ناصر! گزارشاتی که ارسال داشته‌اید بدستمان رسید، که در بخش اخبار خارجی مورد استفاده قرار گرفت. از علاقه‌مندی‌ها هم‌کاری شما با پیام کارگر متشکریم.

باشد عملی سکتاریستی خواهد بود. در این مورد برای بهره‌یازا بهام و سرد رگمی، کمیته برگزار کننده می‌تواند اهداف و برنامه‌های تظاهرات را بطور مشخص اعلام دارد بدون اینکه نام سازمانی شرکت‌کننده مشخص شده باشد. در قسمت دیگری نتیجه گرفته‌اید که می‌توان با تشکیل کمیته‌های موقت از همه‌سازمانهای سیاسی و عناصر انقلابی دعوت بعمل آورد تا از سرد رگمی‌ها اجتناب شود، ضمن تأیید این مطلب و مناسب بودن این راه‌حل، ما هنوز هم تظاهرات را تأکید روی شرکت اعضا و هواداران در تظاهرات مورد نظراست و برای جلب شرکت توده‌ها برنامه‌ای نیست. می‌توان بجای توافق نظر همه‌یابیشتر تیروهای سیاسی بر سر یک خواست عمومی که طبعاً وقت و نیروی زیاد تری را می‌طلبد به اشتراک نظر تعداد سازمانها بپردازیم. هر که در این اقدام مشترک را عملی سازند و بجای نام این سازمانها، مثلاً "کمیته..." که در برگزاری اهداف و منظور این اقدام مشترک باشد نام برد و بدین طریق می‌توان تعداد بیشتری از تیروهای موکراتیک فراخواند و با انعطاف مناسب قدرت مانور و برگزاری اقدامات مشترک بیشتر خواهد شد. با این اقدامات هم می‌توان نیروی گسترده تری را برای افشای رژیم بسیج کرد و هم به نظرات سکتاریستی سازمانها و عناصری که منافع فرقه‌ای را بر منافع مردم مقدم می‌شمارند می‌توان برخورد کرد زیرا اساساً منظور بسیج توده‌هاست نه صرفاً شرکت دادن اعضا و هواداران یک یا چند سازمان سیاسی مشخص.

با آرزوی موفقیت و پیروزی شما و انقلاب ایران و با تشکر م - الف - پ

پاسخ پیام کارگر:

رفیق عزیز، انتقاد ماهه تظاهرات ۲۴ اکتبر در شهرکلن در آلمان فدال متوجه این روش دعوت کنندگان بود که اعضا "مجهول" سازمان‌های دعوت کننده را مورد استفاده قرار دادند. این عبارت نامعلوم و نامأنوس است. حرف ما این بود که اگر دعوت کنندگان نمی‌خواهند هویت سازمانها پنهان شود، و باید لا یلی نمی‌خواهند اسمشان در کارنامه دیگر سازمانها قرار گیرد، چرا دعوت ایجاد این ابهام و سؤال در ذهن مردم، از روش اصولی و شناخته شده ایجاد کمیته‌های موقت پیروی نکردند. در نظر ما اینگونه کمیته‌ها که فراوان هم یافت می‌شوند هویت سیاسی مشخصی را نمایندگی می‌کنند که در شعارهای شان تجلی پیدا می‌کند. وقتی ما می‌گوئیم مردم باید دعوت کنند را بشناسند به این معنا نیست که اعضا و سازمانهای عضو این کمیته‌ها باید اسم و رسم خود را اعلام کنند. بلکه منظور همان کمیته‌دعوت کننده است. بنابراین باید آجایی برای این نتیجه‌گیری نیست که ما خواهان علنی شدن هویت سیاسی این افراد و سازمانها شدیم. علاوه بر این مادر پشت سر عبارت سازمان‌های دعوت کننده "دیدگاه انحرافی و مفسوس‌ناگانه در زمینه وحدت عمل میان سازمانها می‌بینیم که شرح آن در همان مطلب آمده است.



"عفو" نه!

آزادی بی قید و شرط تنها مژده نیا ن سیاسی!

آخوند "انصاری" رئیس زندان های کشور در مورد "عفو" زندان نیا ن سیاسی اظهار داشت: "شورائی مرکب از مسئولین زندان دادسرای انقلاب و نمایندگان وزارت اطلاعات نسبت به عفو بنگونه اشخاص نظر داده ، اما می آتانا در لیستی تنظیم و بیه ظیبات عفو" و حضرت آیت الله العظمی منتظری تسلیم میشود "کیهان ۶۶/۱۱/۱۵

هر سال در آستانه سالروز قیام بهمن رژیم عفو نعدادی از زندان نیا ن سیاسی را اعلام می کند ، اما سال هم بهر حال گذشته خبر دادند اما از افراد "نظام" وابسته به "گروهک ها" مشمول عفو گردیده اند و بیه دامان خانواده هایشان بازگشته اند ، اعلام یمن خبر در شرا یطی صورت می گیرد که حکومت مکرر رژیم ددمنش فقها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر مجامع جهانی دفاع از حقوق بشر ، که تازه ترین آنها در گزارش بازرسی کمیسیون حقوق بشر ، با حضور

نادمین و توابعین را هم در بر می گیرد . تا کتیک عفو که بمناسبت های مختلف هر چند یکبار خوراک شیلینا تی رژیم در زندان ها و رسانه های گروهی می شود جزئی از همان سیاست به تسلیم کثاندن زندان نیا ن قهرمان می باشد . اما مقامات درخشان بسیاری از زندان نیا ن که با "نه" قاطع خویش مزدوران شکنجه گران در شکنجه گاهای فلسج ساخته اند رژیم را در اجرای این هدف هر روز تا کم تر می سازد .

بدون تردید حضور دهها هزار زندانی سیاسی در زندان ها و شکنجه گاهای پاشنه آشیلی برای رژیم است که می باید مرتباً بر آن کوبید و سیاست شکنجه و ترور آن را مرتباً افشاء و ترفندهای او را خنثی ساخت . رژیم می که در اساس منکر وجود زندانی سیاسی است ، چگونه است که در طی هفت سال گذشته هر سال چندین بار اعلام عفو نموده و هنوز هم تعداد بسیار زیادی زندان نیا ن مملو از زندانی دارد و هر روز اعدام مخفیانگرویی از آنان افشاء می شود ، باید به افشای ترفند عفو پرداخت و برای آزادی بی قید و شرط دهها هزار زندانی در بند کوشید .

ما و خوانندگان

باد رود های گرم و صمیمانه به دوستان عزیز ● امیدوارم حالتان خوب باشد و در انجام کارها کوشا و پیروز . اینبار مطلبی در پیام کارگر شماره ۶ خواندم که تیرتان "روش" فعالیت در کانون های دموکراتیک را اصلاح کنیم" بود که جالب بود . اما آیامی توانیم با توجه به پایگاه طبقاتی مهاجرین سازماندهی تشکیلات آن ها را با تشکیلات پرولتاریایی مقایسه کنیم . به نظر بنده تا مادامی که در کار نباشد این اشکالات - آکسیونیسیم خود را نمایان می سازد . بنظر من لازم است ، مقوله پناهندگان را بهم بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم .

با امید به پیروزی حمید

پاسخ پیام کارگر:

میان طبقات و اشکال و روش هایی که در مبارزه انتخاب می کنند بی تردید رابطه ارگانیک وجود دارد . و این خود اساساً زائده موقعیت مادی هر طبقه و قشر اجتماعی در سیستم اقتصادی اجتماعی معینی است . مثلاً اگر اعتصاب توده های خاص طبقه کارگر است که در کارخانه ها و شهرهای بزرگ صنعتی متمرکز شده است ، تحصن ، مناسب اقشار خرد پیروز و با ویژه تولید کنندگان خرد می باشد که بصورت پراکنده و مجزا از یکدیگر پیوسته می برند . انسجام و استحکام سازمانی تشکیلات های مربوط به این طبقات نیز باید یکدیگر متفاوت اند و هر کدام دارای ارگانیک درونی مخصوص بخود است . مثلاً نمی توان استحکام یک اتحادیه کارگری را با یک تعاونی صنف خیاط ها مقایسه کرد . پدیده آکسیونیسیم در برابر کار توده های مستقر نیز بی ارتباط با زمینه های مادی ایجاد

کننده آن هان نیست . پیوند های درونی طبقه کارگر و شرایط نسبتاً مشابه آن هاد بر بر سر مایه و تقسیم اجتماعی کار ، و درخواست های مشترک شان ، زمینه های مادی است که کار توده های - صنفی ، را بعنوان روش فعالیت مناسب برای متحد کردن آن ها مطرح می کند . و از این جهت تفاوت های آشکاری میان این طبقه با طبقات دیگر وجود دارد . ولی این نکته به معنای آن نیست که گروه های اجتماعی دیگر نتوانند شکل آکسیون - ها می توانند اتحاد خود را با زیابند و منافعی مشترک مادی آن ها ، تنها خصلت تصادفی و ناپایدار دارد .

واقعیت اینست که هر گروه اجتماعی دارای منافع و موقعیت مشترکی در نظام تولیدی شخصی است . و به تبع آن مناسبات سیاسی و تشکیلاتی مناسب خود را تولید می کند . روش کار توده های نیز باید نقطه عزیمت خود را همین منافع و خواست های مشترک قرار دهد . در مورد مهاجرین نیز همین قاعده صدق می کند . مهاجرین ، بعنوان یک گروه اجتماعی مشخص دارای منافع مخصوص به خود اند که از گروه های دیگر متمایز است ، مثلاً دانشجویان ، زنان و . . . مجزای می گردند . کار سازمانگرانیه و آگاهگرانه میان این گروه نمی تواند خود را از طرح این مطالبات و تشریح موقعیت اجتماعی آن ها جدا کند . بدیهی است عمق و دامنه این مطالبات و اشتراک منافع مهاجرین با موقعیتی که توده های پرولتاریا به یکدیگر متحد می کند تفاوت بسیار دارد . و اگر ما در مقاله مورد نظر در پیام کارگر شماره ۶ در توضیح کار توده های ، اتحادیه و اعتصاب کارگری را مثال آوردیم برای فهم بهتر مطلب بود . ولی علی رضم این تفاوت ها نمی توان به انکار کار توده های در میان پناهندگان پرداخت ، و به توجیه تئوریک آکسیونیسیم تسن داد .

دوست گرامی حسین علی از سوئد!

● اظهارات شما مبنی بر اینکه در جلسه سخنرانی در شهر گوتنبرگ سوئد ، سخنران ، لحن توهین آمیزی نسبت به آقای بابک امیر خسروی داشته است ، مطلبی است که باید از طریق رفقای دست اندر کار تحقیق شود . ولی تا آنجا که به شیوه برخورد ما با مخالفین فکری مان مربوط می گردد ، ما کار بر دهر گونه واژه اهانت آمیز را نادرست می دانیم .

بدنبال شهادت رفیق پروین کلی آبکناری در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۶۶ و بمناسبت بزرگداشت این رفیق ، مراسمی در زندان اوین برگزار شد . رژیم برای مجازات زندان نیا ن بعلت برگزاری این مراسم ، یک ملاقات ۱۵ روزیکه را کثرت زندان نیا ن بند زندان را لغو کرد .

ادامه از صفحه ۴

گردهمایی تشکلهای دموکراتیک

کردن نوار محبت های سمینار : کانون پناهندگان سیاسی ایرانی برلین غربی مسئول برگزاری گردهمایی چهارم : هامبورگ توضیح پیام کارگر :

مجموع گزارشات ما از سمینار مذکور ، حاکی از آنست که تلاشهای فعالین جنبش دموکراتیک برای قوام بخشیدن به انجمن های موجود و حرکت در جهت ایجاد دیک سازمان سراسری با مشکلات نظنری مهمی روبروست . ما در اولین فرصت جمع بندی خود را در این باره ارائه خواهیم داد .

نامه‌ای از ایران...

... آن قصه شنیدهای که مائل برکنار رود خانه پل می‌جست و دیوانه شلواربالا زد و از زرد خانسه گذشت. کار ما! صبح تاشب نظاره‌مین د یوانگانی است که زرد خانسه‌گشته‌اند و مفتخرانه به پیش آمد می‌خندند. چه بگویم؟ خدای خیرشان دهد... چند کتاب تصمیم داشتیم برای پست کنم ولی به‌تعماد و ایریستی بخشناه شده است که زید یروش کتاب جهت پست به خارج از کشور خود داری شود، و بهیرونه حال صلاح مملکت خویش خسروان دانند... بدبرای یکسری کارهای اداری در رابطه با کار خود ش در سازمان بازنشستگی کشور به تهران آمده بود... حواله حقوقش را بعد از یک سال هنوز ندهاده‌اند... بعد از کلی سرد و آندن و دوندگی مجبور شد دوباره به ولایت برگردد... بدین هیچگونه نتیجه‌ی وحل‌گره‌شکست، خلاصه ما این روزها فقط دستان به‌سوی حضرت ولی عصر (عج) است! تا شاید ایشان خودشان حلال مشکلات بفرمایند و گرنه از دست ما زمینیان کاری ساخته نیست که نیست! به خانواده... بدوست خودت خبر داده‌اند که ایشان جان به‌جان آفرین تسلیم کرده‌اند (دزدان)، د ولایت افراد فامیل سنت‌های لا زربا بجا آوردند... چه می‌شود کرد که با قیصر فصل برگریزان است، زندگی دل‌ها و کاسب‌ها و فاحشه‌ها و خلاصه بگویم بد رسوخته‌ها پرورنق است... د عصری که سگ را بسته‌اند و سنگ‌زارها کرده‌اند، برای دزدان و فواحش بهشت محسوب می‌شود... چیزهای عجیب و غریبی اینجا نوشته می‌شود... سیروس طاهباز، معروف مقاله‌های می‌نویسد و از کلماتی از نوع امام زمان در شعر نیما استفاده می‌کند و نظرات نیما را راجع به ظهور امام زمان توضیح می‌دهد... بهاء‌الدین خرمشاهی که د یروز مروج پورنوگرافی هانری میسر بود، اکنون به عنوان یک اسلام‌شناس د محافظ و مجامع ظاهر می‌شود و سید جعفر شهیدی که آنقدر د ست پادشاه و ملکه اش را ماج کرده بود که د ستشان پینه‌بسته بود، اکنون کتاب زندگی امام حسین (ع) سرهمی کند... ضیا‌الدین مجدای تاریخ‌نسخ قرآن بیرون می‌دهند... محمود گلابدیه‌ای به این نتیجه رسیده که حسن خادم د استان نویسنده مداح، بزرگترین د استان نویسنده معاصر است، از افاضات اخیر همین آقای گلابدیه‌ای و به زعم ایشان کتابی از "بچه‌شمرن" ایشان است... گلابدیه‌ای تمام طیف "روندگان" را بچه‌شمرن می‌داند و به استهزا، ایشان می‌نشیند... ناصر ایرانی خواب‌نما می‌شود که در طول هفتاد سال گذشته د شرق د رزمینه هنر هیچ کاری نشده و فقط این آمریکا بوده که... نعوذ و بالله! عبید زاکانی می‌نویسد که سلطان محمود غزالی باد مغان می‌خورد و از اخیلی خوشش آمده بود و عنصری فی‌البداهه شعری د ر مدح باد مغان سرود و مورد تشویق سلطان واقع شد و محمود پس از اقرار د در مصرف غذای مورد نظر، غزالش را زد و شروع کرد از باد مغان بد گفتن... شاعر مورد نظر هم مجد د اقصیدهای در

ذم باد مغان سرود... محمود اعتراض کرد که تو حال د تعریف باد مغان سخن گفتی چه شد که... عنصری د رجواب می‌گوید که من نوکر باد مغان که نیستم، من نوکر سلطان هستم... هر چه سلطان گفت من هم می‌گویم... طیف عظیمی از مجلات آنچنانی که هم از تیره می‌خورند و هم از خورد آیرشده که همه‌شان "آخرین شعر" احمد شاملو مین صفحایشان است و نامه چاپ نشد های از جلال آل احمد! البته سینما نیز کما فی السابقی از این ترقیات چشمگیری نصیب نمانده... مضمون عمدتاً فیلم‌ها د ر ده سال گذشته این بوده که تمام معتادها و فراری‌ها... توبه می‌کنند و به حقیقت بی‌می‌برند و به جبهه می‌روند و اخیراً مضامین حول وقایع (سال) سی و می‌گردد و تو خود حدیث مفصل به‌خوان از این مجله... آخرین فیلم از این رهگذر "گزارش یک قتل" کا حضرت آقای محمد علی نجفی با بازیگری هما روستا و اکبر زنجانی پور است که... بله مامل اصلی شکست (۲۸ مرداد) "افسران" بودند... د ر رأس این قضایا محسن مخلصاف هستند... ایشان اصلاً تاریخ‌هنر را منکر هستند و به نظر حضرت ایشان تاکنون فیلمی ساخته نشده و د استان و رمانی نوشته نشده... فقط و فقط مایک قصه‌خوب داریم... آنها قصه حضرت یوسف است... به نظر من این بچه‌مسلمان پاکبخته، آینه تمام‌نمای دیگران است... خدای عموشان بدهد، بهر حال سقوه سلطان بزرگ است... طیف چلوکباب‌خوران نیز افزون... خدای ایشان خیر دهد... تلویزیون نیز انواع و اقسام برنامه‌ها د مورد طلاق ردیف کرده از سریال و ریپرتاژ و میزگرد خلاصه بگویم چندین ماه است که همه د ر سریالها و فیلم‌ها به این نتیجه رسیدند... تمام مصائب زیر سر "خواهرشوهر" ها و "مادرشوهر" ها است... فکر کنم همین روزهاست که جهت مبارزه با خواهرشوهرها و مادرشوهرها کلوبی تشکیل شود! از صیب خلاق که بگذریم چند سطر از خودمان برای بنویسم... (ما همپا ارباب خودمان به د زدی شروع مشغولیم... د رشتها را و برمی‌دارد و کوچک‌ها نیز به ما می‌رسد... البته اگر چشم بچینانم ازین نیز می‌دزد، که بد فعات چنین کرده، کاری که من هم اگر موقعیت د ستم بیاید چنان می‌کنم، که کرد هم... واقعا بازی عجیبی است).

شورای حل اختلاف یا شورای سازش

در پی دعوت مشترک احمد خمینی و روسای سه قوه از "خمینی" برای اعلام شورای حل اختلاف، خمینی لیست این شورا را انتشار داد. اعضاء شورا مشتمل است بر: عضو (فقیه) شورای نگهبان، ها شمسی رفسنجانی، علی خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، موسوی خوشبینی‌ها، توسلی، میرحسین موسوی، احمد خمینی و وزیر مربوط ای که لایحه اش در مجموعاً اختلافات اکثریت مجلس و شورای نگهبان بلامتکلیف می‌ماند.

وظیفه این شورا تشخیص ضرورت و مصلحت است و خمینی تا کید کرده است در صورت لزوم از کارشنا ساز دیگری هم برای مشاوره و رایزنی استفاده کند.

باز هم سیل

باز زندگی وسیل که با سرمای شدید در مناطق کویری کشورمان همراه بود در ماه جاری خسارات زیادی به مزارع، علوفه، دام‌ها و خانه‌های مسکونی روستایان استان‌های یزد و خراسان وارد ساخت. رسانده‌های گروهی رژیم تنها به خسارات مالی و شدت سیل و محاصره چندین روستا اشاره کرده اند و از بیان جزئیات خسارات مالی و تلفات جانی خودداری ورزیده‌اند!

المپیک سئول

بهرام افشارزاده دبیر کمیته ملی المپیک با اعلام آمادگی ورزشکاران ایرانی برای شرکت در رشته‌های کشتی، وزنه‌برداری و دوچرخه‌سواری المپیک ۸۸ سئول (با بستن کره جنوبی) موافقت نخست‌وزیر برای اعزام ورزشکاران به سئول را اعلام کرد. لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی در المپیک ۸۰ "مسکو" و "۸۴" "لوس‌آنجلس" بدلائل سیاسی شرکت نکرد.

ادامه از صفحه ۲

کارگران فولادکروپ

کارگران و اهالی شهرهای منطقه، راه‌بندان‌های سمبلیک در جاده‌ها و تظاهرات متنوع و متعدد. روز ۲۵ ژانویه یک راهپیمایی از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان از مرکز شهر را بین‌ها وزن تا کارخانه انجام شد و در محل کارخانه بصورت سمبلیک یک زنجیر انسانی بدور کارخانه کشیده و با تفاق کارگران حمایت خود را از ادامه کار اعلام نمودند. در این راهپیمایی رفقای ما شرکت و بارز همبستگی نمودند، نکته قابل توجه در فعالیت رفقای ما در آن منطقه آنست که آنها با هشیاری تمام در تمام حرکات و تجمعات کارگران کروپ و همچنین تشکلهای حمایتی سازمانها و احزاب آلمانی و خارجی مانند ترک‌ها، شرکت نموده و در عمل و بصورت واقعی روحیه و سازماندهی را سبوتالیستی خود را بنمایش می‌گذارند.

کنگره زن!

رژیم امسال در کنایات همه‌ساله‌ای که بنام دهه فجر برگزار می‌کند، اقدام به برگزاری به اصطلاح کنگره "زن و انقلاب جهانی اسلام" نمود. تعزیه‌گردان این مراسم هزاران هنرمند همسر نخست‌وزیر و سردبیر مجله "زن روز" بود و بحث سخنرانان بر سر موضوع‌های نظیر "ابعاد شخصیت فاطمه"، "حجاب" و "زن مسلمان" دور می‌زد. علاوه بر چند چهره حزب‌اللهی، تعدادی از همسران خارجی مزدوران و کارگران رژیم و تعدادی مهمان خارجی در نشست‌ها شرکت داشتند.

فلسطین:

● مبارزات تودهای که به سومین ماه خود رسیدند است، در هفته اول فوریه راج خود بود. روز یکشنبه ۷ فوریه یکی از جداترین روزهای درگیری مردم نوار غزه و ساحل غربی بانیروهای سرکوبگر و اشغالگر اسرائیلی بود که طی آن سه نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند. سیاست رسمی دولت اسرائیل در مقابله با مبارزات تودهای که توسط اسحاق رابین وزیر دفاع فرموله شده، زور، قهر و کتک است. حد و یکماه است که روش ارتش اسرائیل در برخورد به تظاهرات به گتک و شکست استخوانهای دست مبارزان تغییر یافته است. آنها میگویند که شکستن استخوان مبارزان آنها را برای مدتی از صحنه دورنگه می دارد. بیست و چهارصد مورد شکستگی استخوان دست در اثر ضربه باتون توسط پرتشکان سازمان ملل در یکماه گذشته گزارش شده است. آمار زخمی ها بیش از چهارهزار نفر است. سیاست گتک خشم و نگرانی افکار عمومی در سراسر جهان را برانگیخته است و در شورای امنیت سازمان ملل نیز منعکس شده است. امبریا لیستها و مترجمین عرب مداد رپی طراحی طرحهای تازه برای مقابله با جنبش هستند. آخرین طرح آمریکا که توسط ریچارد مورفی به اطلاع دولت های منطقه رسید، خود مختاری محدود به ساکنان نوار غزه و ساحل غربی و سپس کنفرانس بین الملل برای حل و فصل نهائی مسئله که طی آن بنا به طرح آمریکا سرنوشته نهائی غزه و ساحل غربی در رمز اگر صلح حل و فصل گردد. پاره ای محافل خواهان پس دادن این سرزمینها به اعراب و تشکیل یک دولت فلسطینی در آن هستند.

آمریکا: رد لایحه کمک به کنترال

● مجلس نمایندگان آمریکا، تقاضای کساح سفید برای ادامه کمک مالی به شورشیان کنترال را رد کرد. این تقاضا، برای کمکهای ۲/۳۶ میلیارد دلاری با ۲۱۹ رأی مخالف در مقابل ۲۱۱ رأی موافق رد شد.

قسمت اعظم وسایل مورد تقاضای ریگان، برای کمکهای به اصطلاح غیرمرگبار مثل مواد غذائی و تجهیزات مخابراتی و اینفورم می بایستت برداخت شود.

ریگان به منظور بدست آوردن اکثریت آرا، پیشنهاد کرد که ۳/۳ میلیون دلار وی که به سوی کمکهای مرگبار اختصاص داده شده بود، تا آخر مارس پس گرفته شود و منتظر نتایج مذاکرات دولت نیکاراگوا و شورشیان کنترال بمانند.

دنیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوا ایمن رأی گیری را شکست سیاست ریگان در آمریکای مرکزی و پیروزی نیکاراگوانا مید.

یکی از رهبران اصلی ضد انقلاب بین بنام "آد لفو سزار" اعلام کرد که بدلیل این رأی گیری مذاکرات با دولت نیکاراگوا که برای هفته دوم فوریه در گواتمالا ترتیب یافته بود، رآمدتی بتعمیق می اندازد. او همچنین اضافه کرد که آنها میکوشند معادل این کمک و بیشتر از آن را از طریق منابع خصوصی در آمریکا تأمین کنند و در این مورد به ارسال کمک از جانب "رابرت دول" کاندید رییس جمهوری آمریکا اشاره کرد.

خلع سلاح و میلیتاریزم:

● در کنفرانس متخصصین و سیاستمداران ناتو که در مونیخ برگزار شد، وزیر دفاع آمریکا سیاست دولت خود در مورد ضرورت مد رنیزه کردن ناتو را اعلام کرد. این مد رنیزه کردن می باید در دو راستا صورت گیرد. مد رنیزه کردن سلاحهای اتمی موجود و از جمله موشکهای با برد کوتاه و یکا رگیری سلاحهای شیمیائی و مد رنیزه کردن سلاحهای غیر هسته ای. وی در اظهارات خود افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو ناتو را خواستار شد. لازم به تذکر است که در این کنفرانس دولت آلمان طرفداری خود را از برچیدن بخش اعظم موشکهای با برد کوتاه و نیز برچیدن سلاحهای شیمیائی در اروپا اعلام کرده است و این امر ممکن است به تشدید دید رگیریهای درونی ناتو منجر شود.

از سوی دیگر ارایش هونگر در ۲۵ ژانویه در دیدار با نخست وزیر یونان گفت موشکهای مستقر در آلمان در مکرانیک و چکسلواکی قبل از زمان پیش بینی شده برچیده خواهند شد. نخست وزیر چکسلواکی (استروگال) هم برچیدن موشکها از انگشور را رسماً اعلام کرد و گزارش کاملی در مورد نحوه برچیدن موشکها از انگشور در روزنامه "رود هیراوو" بچسب رسید.

انگلستان:

● هفته اول ماه فوریه، انگلستان شاهد حرکات متعدد کارگری بود که در رسالهای اخیر پیس از شکست اعتصاب معدنچیان در این کشور بی سابقه بوده است. با اعتصاب محدود کارگران فنی معادن شمال، همزمان معادن برای یک روز تعطیل بودند. بدنبال این اعتصاب کارگران بارانداز بدون اعتنا به قانون کار جدید و به حمایت از کارگران اعتصابی یکی از شرکتهای تخلیه بندری، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب برخلاف قانون جدید کار که طبق آن اعتصابات حمایتی ممنوع است برگزار شده است. احتمال سراسری شدن اعتراضات پرستاران و تندیل آن به یک اعتصاب عمومی نیز وجود دارد و تاکنون این اعتراضات که نسبت به کمی حقوق و وضعیت عمومی بیمارانها صورت میگیرد بصورت حرکات اعتراضی در بیمارستانها و مناطق جداگانه انجام یافته است. همچنین در هفته دوم فوریه ۳۲۵ نفر از کارگران ۲۱ کارخانه از ۲۳ کارخانه فورد در انگلیس جهت اضافه دستمزد بمیزان ۷ درصد برای سال جاری، دست به اعتصاب زدند. مبارزات کارگری در انگلیس که در زمستان امسال اوج گرفته، می رود تا پاسراسری شدن خود یک بحران جدی بوجود آورد.

استکهلم - سوئد

● در تاریخ ۸۸/۱/۳۰ از طرف کمیته همبستگی با مبارزات مردم فلسطین در شهر استکهلم، تظاهراتی به حمایت از مبارزات خلق فلسطین و محکوم کردن کشتار اخیر اسرائیل انجام شد. این تظاهرات که با شرکت ترکهها، شیلیا، نیپا و ایرانیا (منجمله رفقای ما) همراه بود، از میدان اصلی این شهر به طرف سفارت اسرائیل و باشا رهای مرگ بر اسرائیل وزنده با دوازده آزادی بخش فلسطین انجام شد.

ا طریش :

● گزارش کمیسیون تاریخ دانان بین المللی ما مور رسیدگی به پرونده کورت والد هایم، رئیس جمهور ا طریش، که متهم به ارتکاب جنایت جنگی در جنگ دوم جهانی است، منتشر شد. بر اساس این گزارش کورت والد هایم که زانفسران شافل در قسمتهای مهم و مطلع ارتش آلمان در ریوگسلاوی بوده است، بخوبی در جریان قتل عام پارتیزانهای یوگسلاو و کروک در سته جمعی یهودیان یونانی به اردوگاههای مرگ بوده است. گزارش می افزاید که شواهد و دلیلی در ارتکاب شخصی والد هایم در این جنایات در دست نیست اما او بعنوان یک عنصر مطلع و مهم در جریان این امور قرار داشته است. این مسئله بحران سیاسی در ا طریش را وارد مرحله تازه ای کرده است.

ترکیه

● در BEYAZIT (منطقه ای در استانبول) گروهی از دانشجویان، پرچم آمریکا را که عکس او زال (نخست وزیر ترکیه) را بالا بپوش نصب کرده بودند به آتش کشیدند و شعارهایی نظیر "مرگ بر آمریکا"، "مرگ برفاشیست"، "آزادی، رفاه و شکنج در زندانها باید خاتمه یابد" و همچنین در ارتباط با آزادی زندانیان سیاسی می دادند. دانشجویان همگام با مشت های گره کرده روشنایی مخصوصی به شهر استانبول می دادند. روز بعد در دانشگاه استانبول گروهی از دانشجویان در ارتباط با خواسته های صنفی تحصن کردند. خواسته های این دانشجویان اعتراض به شرایط سختی که برای تحصیل و امتحانات گذاشته شده است می باشد. دانشجویان دستها خیر مطرح می کردند که تحصن و اعتراضشان ربطی به تظاهرات روز گذشته ندارد و خود را جد از آن جریان اعلام کردند.

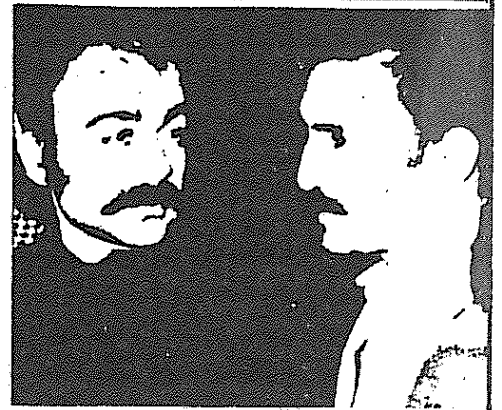
در همین روز بلاکاردهایی که شکل بمب داشتند (بمب از طرفشان آویخته بود) در چند نقطه شهر استانبول گذاشته شده بود و پلیس با ترس و وحشت از در و آنهارا تماشا می کرد. روی این بلاکارد ها هم همان شعارها نوشته شده بود. پلیس از در و برطرف بلاکارد ها سنگ پرتاب می کرد و مردم با ترس آنهارا تماشا می کردند.

آمریکا:

● آقای ادوین میز، دست صمیمی ریگان و دادستان کل آمریکا بر طبق شواهد متعدد، در مرکزیک رسوائی مالی قرار دارد که در مورد کشیدن یک خط لوله نفتی در عراق صورت گرفته است. بر طبق این شواهد یک شرکت آمریکائی که می بایست طبق قراردادها یک خط لوله نفتی را انجام دهد اقداماتی برای رشوه دادن به حزب کارگر اسرائیل در دست اجرا داشته است و این جزب می بایست یاد ریافت رشوه از دست زدن به اقدام نظمی بر علیه خط لوله فوق خود در آری می کرد. آقای میز، بر طبق شواهد موجود، در حالیکه سمت دادستانی کل را داشته، از نزدیک در جریان اقدامات شرکت ساختمانی و مقاطعه کاری فوق که یکی از دستان وی در آن سهیم بوده است، قرار داشته و هیچ اقدامی برای متوقف کردن طرح رشوه دادن به حزب کارگر اسرائیل ننموده است. دانسته این رسوائی روز بروز گسترده تر می شود و پسا راهی محافل خواهان استعفا میز شده اند.

شعر بی نام

برسینه ات نشست
تا ن وگرسنگی،
زخم عمیق کاری دشمن
به تساوی تقسیم می شود.
اما،
ای سرو ایستاده نیافتادی
ای سر و ایستاده که میسازد
دشمن دیوار نمیکشد
این عابران خوب و ستم‌بر
در تو ترانه‌های خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرود فتح.
این گونه چشمهای تو روشن
هرگز نبوده است.
با خون تو،
میدان تو پیکانه
در خشم خلق
بیدار می شود
مردم آنسوی تو پیکانه، بدینسوی
سرریز می کنند
خسرو گل سرخی
ای سرو ایستاده!



چهارده سال از اعدام خسرو گل سرخی و کرامت
داد نشیان می گذرد بی آنکه مردم ما این دو کمونیست
انقلابی را فراموش کرده باشند. صدای اعتراض آنان
که بر علیه ستم سرمایه و نظام دیکتاتور شاه در
بیدار دگانه پسر رضا خان بلند شده بود، در گوشه‌ها طنین
افکن است. این کمونیست‌های جان باخته در راه
اهداف طبقه کارگر ما هر دو از تبار رهبران انقلابی نیز
بوده‌اند. کرامت دست اندر کار رسیدن بود و خسرو شعر
می سرود. رفیق خسرو با همه آنکه مهلت نیاقت
آثار بیشتری خلق کند، با همان اثر محدود خود ما
بیان شعر مقاومت و اعتراض بزد. وقتی که می گفت:
خون ما پیرهن کارگران، خون ما پیرهن رنجبران
خواهد شد. وبی گمان کارگران و رنجبران هنرمندان
وفا دار به خود را فراموش نخواهند کرد. نامشان
جا ویدان و راه سرخان بر هر رو باد.

سخنرانی

در تاریخ ۸۸/۱/۲۲ در شهرهای بیدلبرگ آلمان
غربی از طرف رفقای هوا دار یک جلسه سخنرانی و
بحث پیرامون نظریات رفرمیستی حزب توده و مرحله
انقلاب ملی - دموکراتیک برگزار گردید. پس از
پایان سخنرانی رفیق سخنران به پرسش حاضرین
در باره مواضع سازمان ما پاسخ داد که مورد استقبال
قرار گرفت.

آدرس پیام‌کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

لیست کمکهای مالی

گیلدن	۵۰	م
	۱۰۰	م
کرون	۱۰	محمد هلند
مارک	۱۲۰	م - ۱۷۴
	۵۰۰	۴ - آذین
	۲۰۰	رفیق شکوهی - ۲۲
	۲۰	محمد
	۲۰	حسین
	۲۰	احمد - ص
	۱۵۰	سعید و مسلم
	۲۰	سعید با بیروت
	۵۰	رویا
	۴۰	الف
	۵۰	م
	۱۰۰	الف
	۴۰	ص
	۴۰	ف
	۵۰	م
	۶۰	ن
	۶۰	الف
	۶۰	م
	۸۲	ف
	۵۰	ر

به و ا حدها

و فعالین سازمان

زفتا!

عید نوروز نزدیک میشود و ما با بیداری و نشاط لادرفکر
تهیه مقدمات برگزاری آن با شیم. جشن سال نو در
واقع یکی از اشکال تبلیغات دوره‌ای ما است.
زیرا با توجه به موضع رژیم اسلامی در برابر آن،
برگزاری آن نشانه آشکاری از مقاومت توده‌ای است.
واقعیت اینست که عید در تاریخ کشور ما هیچگاه تسا
این حدسیاتی نشده بود. در شرایط حاکمیت جمهوری -
اسلامی عید ممنوع شده و جزء "افعال مضره" است ولی
سیاسی شدن عید اطلاق معنای این نیست که از محتوای
فرهنگی و ثادی آفرین آن ذره‌ای کاسته شده است،
بلکه بالعکس، سیاسی شدن آن درست بخاطر همان
محدیتش با اندوه و تاریکی و مرگ است. پس،
۱- همچون سالهای دیگر برای برپائی این جشن،
چنانکه زینبده آن است، آماده می شویم.
۲- این مراسم را در همه جا با همراهی دیگر نیروهای
دموکرات برگزار می کنیم.
۳- کمیته‌های برگزارکننده جشن نوروز تکمیل
مناسب این همکاری خواهد بود.

کمیته خارج از کشور

۱۸ بهمن ۶۶